قانون

عصر

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

چهارشنبه

۲۷ آبان ۱۴۰۵ • ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • 18 November 2026

۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره نهصد و چهل و یک

www.asrghanoonir

همتی نیوز!

عبدالناصر همتی: از مشکلات اقتصادی مردم خبر داریم

واکنش قالیباف به خبرسازی اخیر سی‌ان‌ان علیه ایران



ویژه

محمدباقر قالیباف

رئیس مجلس شورای اسلامی

رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به خبرسازی اخیر سی‌ان‌ان علیه ایران نوشت: اعتبار جریان راست در آمریکا ته کشیده و رسانه‌های جدید مامور عملیات‌های فریب اسراییل شدند.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به دروغ‌های اخیر رسانه‌های آمریکایی علیه ایران با محوریت شبکه سی‌ان‌ان و روزنامه نیویورک تایمز با انتشار پستی در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشت: همان عملیات‌های فریب (پرچم دروغین) و همان جنگ‌طلبی‌های همیشگی، فقط با لوگوهای جدید!

وی افزود: اعتبار جناح راست به ته خط رسیده و دیگر خریداری ندارد؛ به همین دلیل، عملیات روانی و پیام‌رسانی به سمت «نیویورک تایمز» و «سی‌ان‌ان» تغییر مسیر داده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: این روند با تأیید لری الیسون پیش می‌رود. تسخیر و قبضه رسانه‌ها با تمام قوا در جریان است.

گفتنی است لری الیسون بزرگ‌ترین حامی مالی خصوصی ارتش جنایتکار اسرائیل و شاخص‌ترین چهره خانواده الیسون به عنوان مالکان جدید شبکه سی‌ان‌ان است.

عبور پوشاک از سد هزینه‌ها

از ریزش تقاضا تا نجات با فروش اقساطی

۵

آمریکایی‌ها را تا قطب جنوب عقب می‌رانیم

۲

ایران چگونه معادله میزبانی از

پایگاه‌های آمریکا در جهان را برهم زد؟

۴



از مشکلات خبر داریم

عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی، در حاشیه جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی در جمع خبرنگاران با اشاره به شرایط اقتصادی کشور در پی فشارهای ناشی از جنگ و تحریم‌ها، گفت: شرایط اقتصادی کشور سخت است و گرفتاری‌های زیادی وجود دارد، اما برای عبور از این شرایط اهداف و برنامه‌هایی در نظر گرفته‌ایم تا ضمن خنثی‌سازی فشارها، امکان تداوم فعالیت مردم، نیروهای مسلح و تأمین معیشت مردم از سوی دولت فراهم شود.وی در ادامه با بیان اینکه بانک مرکزی در خط مقدم مبارزه اقتصادی قرار دارد، اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین اولویت‌های ما تأمین مواد اولیه و کالاهای اساسی است. اگرچه با محدودیت‌های ارزی و مالی مواجه هستیم، اما تاکنون اجازه نداده‌ایم این محدودیت‌ها تأثیر جدی بر روند اقتصادی کشور بگذارد.رئیس کل بانک مرکزی با تأکید بر ضرورت ارزیابی شرایط کشور در مقایسه با اهداف دشمنان، افزود: باید همواره اهداف خود را با آنچه دشمنان دنبال می‌کردند مقایسه کنیم. آنها به دنبال فروپاشی کشور و وادار کردن ایران به تسلیم بودند، اما در تحقق این اهداف ناکام ماندند؛ بنابراین کشور در این زمینه موفق و پیروز بوده است.همتی با اذعان به وجود مشکلات اقتصادی و فشارهای معیشتی بر مردم تصریح کرد: ما از مشکلات اقتصادی و فشاری که مردم تحمل می‌کنند آگاه هستیم و تلاش می‌کنیم این مشکلات را به حداقل برسانیم و تا جایی که امکان دارد، راهکارهایی برای ایجاد گشایش اقتصادی پیدا کنیم.وی در ادامه گفت: تمام تلاش بانک مرکزی این است که گرانی را مهار کند و با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد، آثار و پیامدهای فشارهای اقتصادی را خنثی کند.رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به عوامل تأثیرگذار بر شرایط اقتصادی کشور گفت: نمی‌توان همه مشکلات را به یک عامل نسبت داد؛ هم جنگ بر اقتصاد کشور تأثیر گذاشته و هم تحریم‌ها و البته با مشکلات ساختاری نیز مواجه هستیم. همه عوامل در این وضعیت نقش داشته اند.وی با بیان اینکه کشور با شرایطی از محاصره اقتصادی مواجه است و در کمتر کشوری سابقه داشته است، خاطرنشان کرد: با وجود همه این محدودیت‌ها، مردم مردانه ایستادگی کرده‌اند و ما نیز در کنار مردم و در مسیر عبور از مشکلات تلاش می‌کنیم. رئیس کل بانک مرکزی در بخش دیگری از گزارش خود با تأکید بر اهمیت ضریب فزاینده پولی اظهار کرد: این ضریب اکنون به حدود ۵.۹ رسیده است؛ در حالی که در گذشته معمولاً گفته می‌شد با ضرب پایه پولی در عدد هشت، میزان نقدینگی به دست می‌آید. به همین دلیل، تحلیل رابطه میان پایه پولی و نقدینگی نیازمند توجه به عوامل مؤثر بر نقدینگی، چگونگی تأمین ذخایر و نحوه عرضه پایه پولی است و باید برداشت رایج از رابطه این دو متغیر اصلاح شود.همتی ادامه داد: نسبت نقدینگی به پایه پولی صرفاً یک نسبت ثابت و قابل تعمیم نیست و از رشد بالای پایه پولی به‌تنهایی نمی‌توان نتیجه گرفت که نقدینگی نیز در آینده به همان نسبت رشد خواهد کرد. میزان ذخایر بانک مرکزی، نرخ ارز، هزینه تأمین منابع و انگیزه بانک‌ها برای گسترش اعتبار بر این روند تأثیرگذار است؛ بنابراین آنچه اهمیت دارد، چگونگی عرضه پایه پولی، مسیری است که از طریق آن به اقتصاد تزریق می‌شود و همچنین نرخی است که برای آن در نظر گرفته می‌شود.رئیس کل بانک مرکزی در تشریح عوامل مؤثر بر رشد پایه پولی در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ اظهار کرد: پرداخت کالابرگ در چهار ماهه نخست سال از محل استجازه رهبر شهید انقلاب و اختصاص ۲.۵ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی، از عوامل مؤثر در این زمینه بود. منابع تنخواه‌گردانی که دولت پس از جنگ ۱۲ روزه از بانک مرکزی دریافت کرد و به دلیل محدودیت‌ها امکان اتخاذ تصمیمات لازم برای بازپرداخت آن فراهم نشد، از دیگر عوامل رشد پایه پولی بود.

سرلشکر عبداللهی: آمریکایی‌ها را تا قطب جنوب عقب می‌رانیم



سردار سرلشکر علی عبداللهی رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص)، از نمایشگاه برنامه‌ها و فعالیت‌های شاخص بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت بازدید کرد.سرلشکر عبداللهی در حاشیه این بازدید، با قدردانی از تلاش‌های مجموعه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت در دفاع مقدس دوم و سوم، اظهار داشت: این نمایشگاه نشان می‌دهد که مجموعه بنیاد از ابتدای دو جنگ اخیر پای کار بوده و توانسته است آثار و مستندات واقعی حوادث را در قالب فیلم، تصویر و اسناد نوشتاری گردآوری کند.

وی افزود: ثبت و گردآوری این مستندات از تحریف واقعیت‌ها جلوگیری و زمینه آگاهی مردم و نسل‌های آینده را از آنچه در میدان اتفاق افتاده است، فراهم می‌کند، این اقدام ارزشمند است و ضرورت دارد که بخش‌های باقی‌مانده نیز تکمیل شود تا امکان توسعه و پویایی این فعالیت‌ها فراهم باشد.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح همچنین با اشاره به جنگ‌های تحمیلی ۱۲روزه و ۴۰روزه، گفت: آمریکا و رژیم صهیونیستی از ابتدا به‌دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بودند و همه توان و سازوکار نظامی خود را برای تحقق این هدف به میدان آوردند.

اشتباه محاسباتی دشمن در قبال ایران

سرلشکر عبداللهی ادامه داد: دشمن تصور می‌کرد که در مدت کوتاهی به هدف خود می‌رسد؛ اما این اتفاق نیفتاد، جنگ تحمیلی ۱۲روزه با آتش‌بس پیشنهادی دشمن پایان یافت و در جنگ بعدی نیز، با وجود اینکه دشمن تصور می‌کرد ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت کار را تمام می‌کند، نبرد ۴۰ روز ادامه پیدا کرد.

وی با بیان اینکه دشمن شناخت و برآورد درستی از واقعیت‌های جمهوری اسلامی ایران نداشت، افزود: تصور آمریکا و رژیم صهیونیستی این بود که می‌توانند صرفاً با اتّکا به تجهیزات و سازوبرگ نظامی به پیروزی برسند؛ اما تجربه این دو جنگ نشان داد که تجهیزات نظامی، تنها بخشی از عوامل مؤثر در جنگ است و آنچه سرنوشت میدان را تعیین می‌کند، اراده ملی، ایمان و اعتقاد به وعده‌های الهی است.فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) با تأکید بر نقش مردم و نیروهای مسلح در مقابله با دشمن، خاطرنشان کرد: اراده مردم، نیروهای مسلح و فرماندهان، کنار ایمان و اعتقاد به وعده‌های الهی، از مؤلفه‌های اصلی ایستادگی کشور بود و به‌فضل الهی، جمهوری اسلامی ایران در این دو جنگ با ایستادگی و مقاومت از میدان پیروز بیرون آمد و دشمن شکست خورد.

سرلشکر عبداللهی با اشاره به هدف اعلام‌شده دشمن برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، گفت: دشمن بارها این هدف را مطرح کرده بود؛ اما نتوانست به آن دست پیدا کند و نه موفق به تصرف خاک کشور شد و نه توانست اراده ملت ایران را متزلزل کند.

وی با یادآوری خسارت‌ها و دشواری‌های جنگ، از جمله شهادت رهبر و فرماندهان، اظهار داشت: جنگ با آسیب‌ها و سختی‌های فراوانی همراه بود و جنایت‌های سنگینی در جریان آن رخ داد؛ اما کنار این خسارت‌ها، درس‌ها و تجربه‌های مهمی نیز برای کشور به‌همراه داشت.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح تاب‌آوری و استقامت مردم را از مهم‌ترین دستاوردهای این دوره برشمرد و اضافه کرد: در حوزه میدانی و اراده مردمی، تاب‌آوری بالایی تجربه شد که یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های کشور به‌شمار می‌رود.

سرلشکر عبداللهی همچنین با توجه به پیشرفت‌های دفاعی کشور، بیان کرد: این جنگ فرصتی فراهم کرد تا نقاط ضعف در حوزه نظامی شناسایی و برطرف شود و توان تولید تجهیزات داخلی با قابلیت و کارایی بیشتر استمرار یابد.

وی عنوان کرد: یکی از ویژگی‌های این جنگ، اتّکا به تجهیزات و تولیدات داخلی بود، این تجربه نشان داد که خودکفایی و تکیه بر توان دانشمندان، محققان و پژوهشگران کشور، زمینه ارتقای توان دفاعی را فراهم می‌کند.

ارتقای توان دفاعی در حوزه‌های دریایی و پدافند هوایی

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) درباره عملکرد نیروهای مسلح در حوزه‌های مختلف دفاعی، گفت: در حوزه دریایی، دستاوردها و توفیقات قابل‌توجهی حاصل شد و نیروهای مسلح توانستند در برابر توان دریایی آمریکا اقدامات مؤثری انجام دهند.

وی گفت: ما در پهنه دریا توانستیم آمریکایی‌ها را عقب برانیم. به‌فضل الهی در این منطقه، آمریکایی‌ها را تا قطب جنوب عقب خواهیم راند؛ آمریکایی‌ها منتظر این اقدام ما باشند.

سرلشکر عبداللهی همچنین در خصوص پیشرفت‌های کشور در حوزه مقابله با جنگنده‌ها و هواگردهای دشمن بیان کرد: در این بخش نیز توان و دقت عملیاتی نیروهای مسلح نسبت به گذشته افزایش یافته است.

وی با قدردانی از تلاش دانشمندان، محققان و پژوهشگران کشور، خاطرنشان کرد: ظرفیت علمی و پژوهشی کشور نقش مهمی در رشد توان دفاعی و دستیابی به دستاوردهای جدید داشته است.

تأکید بر تداوم ایستادگی و پاسخ به جنایت‌های دشمن

رئیس ستادکل نیروهای مسلح با تأکید بر نقش استقامت مردم در عبور از جنگ، گفت: ملت ایران و رزمندگان جمهوری اسلامی با ایستادگی و مقاومت، از آزمون دشوار جنگ عبور کردند و این پایداری، زمینه‌ساز پیروزی شد.

سرلشکر عبداللهی همچنین تأکید کرد: این مسیر باید تا زمانی که دشمن از اقدامات خود پشیمان شود، ادامه یابد؛ همچنین انتقام خون رهبر شهید، شهدای جنگ و کودکان شهید، مطالبه‌ای است که با اتّکا به فضل الهی پیگیری خواهد شد



مجلس در کنار دولت پیگیر حل مشکلات

علی نیکزاد نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در آغاز جلسه علنی امروز مجلس، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی و شهدای راه حق و فضیلت، برای رهبر معظم انقلاب اسلامی آرزوی سلامتی و توفیق کرد.

وی همچنین درگذشت آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی، مرجع عالی‌قدر جهان تشیع را به محضر امام زمان (عج)، رهبر معظم انقلاب اسلامی، حوزه‌های علمیه، ملت مسلمان و متدین ایران و خانواده و بیت شریف ایشان تسلیت گفت.

نایب‌رئیس مجلس در ادامه با گرامیداشت سالروز آزادسازی سوسنگرد اظهار کرد: سوسنگرد تنها یک شهر نبود، بلکه نماد مقاومت مردم و پیوند امت با ولایت بود. آن روز دشمن بعثی با همه تجهیزات خود در برابر ایمان و ایستادگی مردم زانو زد و این درس بزرگ به دنیا مخابره شد که ملتی که با ولایت و ایمان ایستادگی کند، شکست‌ناپذیر است.

نیکزاد با اشاره به تجربه جنگ تحمیلی آمریکا و متحدانش علیه ایران تصریح کرد: این تجربه بار دیگر واقعیت انکارناپذیری را در صحنه تاریخ ثبت کرد که هیچ قدرتی در برابر ایستادگی و مقاومت ملت ایران توان دوام ندارد.

وی تأکید کرد: ملت ایران با قدرت ملی خود، با تکیه بر تبعیت از ولایت امر و با اقتدار نیروهای مسلح، همه دشمنان را عقب رانده و خواهند راند.

نایب رئیس مجلس افزود: تقابل آمریکای جنایتکار با ما یک تقابل راهبردی بوده و از سال‌های قبل از انقلاب آغاز شده و فقط در برهه‌های مختلف زمانی، شکل خاصی از این مقابله برجسته شده است؛ یک روز جنگ نظامی برجسته شده و در برخی برهه‌ها جنگ اقتصادی، و در این ایام هر دو جبهه با فشار حداکثری در حال اجراست.

نیکزاد گفت: رزمندگان جنگ نظامی با اقتدار کارشان را انجام می‌دهند و مردم شریف ایران نیز در این نبرد اقتصادی صادقانه مقاومت می‌کنند و همه دنیا را متحیر کرده‌اند. اما این میدان، سربازان دیگری نیز می‌طلبد، سربازان اقتصادی. تنها راه عبور از این پیچ تاریخی، آن است که سربازان اقتصادی نیز وظیفه خود را در قبال مردم انجام دهند. مدیران اجرایی کشور باید با تدبیر، گره از مشکلات مردم بگشایند و با مدیریت جهادی، در کنار مردم بایستند. از آغاز جنگ تاکنون شاهد مدیریت خوبی در زمینه تامین کالای اساسی و اداره کشور بودیم تا دشمن به اهداف خودش نرسد اما این مسئله به معنی نبود مشکل نیست. این مشکلات باید با تدبیر حکیمانه در تعامل بین قوای سه‌گانه مرتفع شود.

نایب رئیس مجلس افزود: تصمیمات سنجیده، به‌موقع، مبتنی بر واقعیت‌های جامعه و بیان صادقانه مشکلات با مردم، بخشی از مدیریت مدبرانه مورد نیاز این روزهای کشور است. مردم ما در این جنگ، صادقانه مقاومت کرده‌اند و شایسته آن‌اند که مسئولان نیز با همان صداقت و تدبیر در کنارشان باشند. همه ما مسئولان موظفیم در مواردی که با زندگی و معیشت مردم مرتبط است، با احتیاط و تدبیر کافی برخورد کنیم. بحث کالابرگ، آرد و بنزین از جمله این موارد است که هر تصمیمی در آن، باید با سنجش دقیق پیامدها و با لحاظ کردن سفره مردم گرفته شود و به‌موقع و با یک انسجام مدیریتی اطلاع‌رسانی شود.

وی ادامه داد: مجلس شورای اسلامی در راستای وظایف نظارتی خود، این موضوعات را در تعامل و همکاری با دولت پیگیری می‌کند و جلسه امروز مجلس نیز با حضور بخشی از مدیران اقتصادی دولت، در راستای پیگیری همین موضوعات تشکیل شده است. ما معتقدیم که حل مشکلات مردم، نه با شعار، که با همدلی، هماهنگی و اقدام مشترک ممکن است.

نایب رئیس مجلس افزود: بر اساس بند الف ماده 53 قانون بانک مرکزی، رئیس‌کل محترم موظف است در اردیبهشت و آبان هر سال، گزارش عملکرد و برنامه‌های بانک مرکزی مشتمل بر سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری، نظارت بانکی، تحولات اقتصادی، دلایل انحراف احتمالی نرخ تورم و سایر متغیرهای هدف از پیش‌بینی‌های ارائه‌شده در گزارش قبلی، عملکرد بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور در حمایت از تولید، اشتغال و رشد اقتصادی و وضعیت سلامت و ثبات نظام بانکی را گزارش دهد. مجلس شورای اسلامی با این رویکرد موضوعات کلان اقتصاد ایران به ویژه تورم و گرانی را در جلسه امروز بررسی خواهد کرد.

آیت‌الله وحید خراسانی به تعظیم شعائر دینی اهتمام ویژه داشت



محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی درگذشت حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ حسین وحید خراسانی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) را تسلیت گفت.متن پیام به شرح زیر است:بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي؛ رحلت فقیه بزرگ اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع)، مرجع عالی‌قدر جهان تشیع، عالم ربانی و استاد برجسته و شاگردپرور حوزه‌های علمیه، حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ حسین وحید خراسانی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، موجب نهایت اندوه و تأثر گردید.

آن فقیه وارسته، عمر پربرکت خویش را در راه تفقه و ترویج دین، تحقیق و تدریس، تربیت شاگردان و پاسداری از معارف نورانی اهل‌بیت(ع) سپری کرد. ژرفای فقاهت و احاطه گسترده بر میراث علمی تشیع، در کنار تواضع، ساده‌زیستی، تقوا، صفای باطن، اخلاق کریمانه و ولایت‌مداری، از ایشان شخصیتی ممتاز و مورد اعتماد و احترام عالمان و مؤمنان ساخته بود.از جلوه‌های ماندگار شخصیت ایشان، حضور در جبهه‌های حق علیه باطل دفاع مقدس و سخنان روشنگرانه‌شان در آن دوران است؛ آنجا که در تبیین انگیزه حضور خود فرمودند: «مقصد ما از این سفر، زیارت این قیافه‌های نورانی چهره‌های درخشان به نور ایمان است. وقتی این چهره‌ها را آدم می‌بیند، آن وقت می‌فهمد که خدا در قرآن مجید چه می‌فرماید: «إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنيانٌ مَّرْصُوصٌ» خود من در اینجا برای تجارت آمده‌ام، برای کسب آمده‌ام؛ مفت نیامده‌ام اینجا. به دعوت یک بزرگ‌مردی که رأس روحانیت شیعه است و شما را فراخوانده برای این میدان؛ برای نگهداری دین، و برای حفظ اسلام، و برای صیانت قرآن. پس بدون تردید، شما مردم کسانی هستید که آمدید فی سبیل‌الله بجنگید».

ایشان پس از دهه‌ها تحقیق و تعلیم علوم مکتب پویای اهل‌بیت(ع)، افزون بر دفاع از حریم مذهب تشیع و تربیت هزاران مدرس، مبلغ و پژوهشگر، در عرصه‌های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی، به‌ویژه در مناطق محروم و دورافتاده، خدماتی ماندگار برجای گذاشتند.اهتمام ویژه به تعظیم شعائر دینی، به‌خصوص اقامه عزای صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا(سلام‌الله‌علیها) و فرزندان معصوم ایشان، از دیگر جلوه‌های برجسته سیره آن عالم ربانی بود. و چه تقارن تأمل‌برانگیزی است که عمر آن عالم بزرگ در ایام فاطمیه به پایان رسید؛ روزهایی که سالیان متمادی، دل و زبان و همت خویش را وقف پاسداشت حرمت و منزلت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها کرده بود.بی‌تردید، رحلت چنین فقیه و مرجع کم‌نظیری، خلأئی در ساحت فقاهت و مرجعیت جهان تشیع پدید می‌آورد اما شک ندارم که رحلت این فقیه والامقام، به معنای خاموشی چراغ دانش و فضیلت نیست؛ چراکه میراث گران‌بهای علمی و معنوی ایشان در آثار، شاگردان و تربیت‌یافتگان مکتبشان و در حافظه تاریخی حوزه‌های علمیه و جامعه تشیع ماندگار خواهد بود.اینجانب این ضایعه بزرگ را به محضر مقدس حضرت بقیةالله‌الأعظم(ارواحنافداه)، رهبری معظم انقلاب، مراجع عظام تقلید، حوزه‌های علمیه، بیت مکرم ایشان، به‌ویژه آقازادگان فاضل و دیگر وابستگان ایشان بویژه آیت‌الله آملی‌لاریجانی، شاگردان و ارادتمندان آن مرجع فقید و عموم شیعیان تسلیت عرض می‌کنم

پارادوکس هوش مصنوعی و عاملیت انسان



ظهور مدل‌های زبانی بزرگ و هوش مصنوعی مولد را نمی‌توان صرفاً در چارچوب ارتقای فناورانه ابزارهای نگارش و تدوین محتوا فهمید. دکتر حسن بشیر، استاد دانشگاه و رئیس اندیشکده تحلیل گفتمان راهبردی، در مصاحبه ایی تأکید می‌کنند که این ظهور نشان‌دهنده یک چرخش شناختی و ساختاری و تحول اساسی در اکوسیستم ارتباطات است. رسانه‌ها که همواره بر مدار عاملیت انسانی، مدیریت دروازه‌بانی محتوا (به‌ویژه خبری) و خلاقیت معنایی شکل گرفته بودند، اکنون با عاملی غیرانسانی روبه‌رو شده‌اند که ظرفیت بی‌سابقه‌ای در مقیاس‌پذیری، شخصی‌سازی و اتوماسیون محتوا دارد. این وضعیت، پارادوکسی ناخواسته میان بازتولید محتوا و خلاقیت انسانی ایجاد کرده که هسته تحلیل حاضر را تشکیل می‌دهد.دکتر حسن بشیر توضیح می‌دهند که در گذشته، الگوریتم‌های رایانه‌ای عمدتاً وظایفی محدود مانند طبقه‌بندی، ویرایش سطحی و توزیع محتوا را بر عهده داشتند. اما ظهور هوش مصنوعی چندوجهی، نقش حساس «تولید معنا» را به میان آورده است؛ نقشی که به مراتب فراتر از تولید صرف محتواست. اگر پیش از این، محتوا و معنای آن توسط انسان ساخته و پرداخته می‌شد، اکنون هوش مصنوعی می‌تواند معنای خواسته‌شده را بدون عاملیت مستقیم انسانی تولید کند. انسان در این شرایط به شدت به معنای تولیدشده وابسته شده است. تحریریه‌های خودکار، تولید چندوجهی همگرا (متن، تصویر، صدا، حرکت) و شخصی‌سازی محتوا بر پایه تحلیل داده‌های رفتاری کاربران، مفهوم خبرنگارو نویسنده/مولف را از یک فاعل مؤثر، آگاه و خلاق به «مهندس پرامپت‌نویس» تقلیل داده‌اند. دکتر بشیر در همین مصاحبه اشاره می‌کنند که با تغییر جهت پرامپت، می‌توان به محتواهای مختلف با معناهای متفاوت دست یافت و آن‌ها را منتشر کرد. این تحول، نه تنها سرعت و حجم تولید را افزایش داده، بلکه ماهیت کنش ارتباطی را دگرگون ساخته است.پارادوکس اصلی در همین نقطه پدیدار می‌شود: بازتولید سریع و گسترده محتوا در برابر تهدید خلاقیت انسانی. دکتر حسن بشیر خاطرنشان کردند که هوش مصنوعی با سرعت تولید محتوا و بازتعریف معناهای گوناگون برای اقدامات اجتماعی، رقیبی قدرتمند برای قدرت و معناسازی انسانی ایجاد کرده است. با این حال، ایشان این وضعیت را کاملاً ضدانسانی و نافی قدرت خلاقیت نمی‌دانند. آثار مثبتی نیز قابل شناسایی‌اند: ارتقای کارایی و سرعت چرخه تولید خبر، دموکراتیزه‌شدن تولید چندرسانه‌ای، و شکل‌گیری روزنامه‌نگاری داده‌محور که بر داده‌های کلان و بهره‌برداری هدفمند از آن‌ها متکی است. این‌ها می‌توانند به غنای خبری بینجامند و خلاقیت انسانی را نه جایگزین، بلکه تقویت کنند. هوش مصنوعی در این نگاه، ابزار کمکی و شتاب‌دهنده است که نوعی شبه عاملیتی انسان-ماشین پدید آورده و فضای رسانه‌ای را دچار پارادوکس انسان در برابر ماشین کرده است. با وجود این ظرفیت‌های مثبت، بشیر به ضعف‌های ساختاری هوش مصنوعی در شرایط کنونی نیز اشاره می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مشکلات، تکثیر توهم آماری است. بسیاری از آمارها و حتی منابع مورد استناد مدل‌های هوش مصنوعی نیازمند راستی‌آزمایی‌اند. در اینجا نقش عامل انسانی برجسته می‌شود: انسان می‌تواند در کنار داده‌های هوش مصنوعی، واقعیت و قدرت فکری-پژوهشی خود را به کار گیرد و محتوا را از فرسایش حقیقت‌گویی به سوی قدرتمندتر شدن حقیقت سوق دهد. مشکل دیگر، استانداردسازی موجه، یکنواختی فکری-فرهنگی و بازتولید نوعی از سوءگیری مطلوب است. هوش مصنوعی بر پایه اطلاعات و الگوریتم‌های خود، توانایی تفکیک حق از باطل یا حقیقت از واقعیت را ندارد. تلاش آن برای استانداردسازی می‌تواند زمینه پذیرش اجباری را فراهم کند و عاملیت انسانی را تضعیف سازد. دکتر بشیر تأکید می‌کنند که در شرایط هژمونی هوش مصنوعی، مهندسی افکار عمومی با همان استانداردسازی‌ها و سوگیری‌های تغذیه شده از داده‌های کلان، به‌سادگی ممکن می‌شود. دیپ‌فیک‌ها نیز جوامع را به سمت «بحران معنایی» سوق می‌دهند که آثار مستقیم و غیرمستقیم آن هنوز به‌خوبی شناخته نشده‌اند.این تحولات، مفهوم سنتی «دروازه‌بانی» را به «دروازه‌سازی» تبدیل کرده‌اند. دکتر حسن بشیر توضیح می‌دهند که کاربر بیش از مالکان رسانه‌ای، عهده‌دار تولید محتواهای گوناگون شده و نقش پاسخگویی را بر مالکان رسا نه‌ای تحمیل کرده است. آینده، در نگاه ایشان، نه تقابل مطلق انسان و ماشین، بلکه ظهور یک همزیستی پیوندی انسان-هوش مصنوعی است. این همزیستی نه تنها تولید محتوا را متحول می‌کند، بلکه ساختار قدرت معنایی را بازتعریف می‌نماید. هوش مصنوعی می‌تواند از داده‌های کلان، محتوایی تولید کند که معلوم نیست تا چه اندازه به تعهدات اجتماعی، شرایط فرهنگی، وجدان اخلاقی و اصول دینی پایبند باشد. این موضوع، به باور دکتر بشیر، مهم‌ترین پارادوکس و چالش میان انسان و هوش مصنوعی است. مداخله هوش مصنوعی در تولید محتوای رسانه‌ای، وضعیت رسانه‌ای را در یک پیچ تاریخی قرار داده که بی‌شباهت به اختراع چاپ یا ظهور اینترنت/وب نیست. بشیر تأکید می‌کند که در چنین شرایطی، بازتعریف نقش انسان ضروری است: از تولیدکننده محتوا به هر قیمت به نگهبان حقیقت و معنا. این بازتعریف، نه تنها برای خبرنگاران و تولیدکنندگان محتوا، بلکه برای هر کاربر فضای ارتباطی امروز، ضرورتی جدی است. انسان باید در کنار بهره‌گیری از ظرفیت‌های شتاب‌دهنده هوش مصنوعی، مسئولیت راستی‌آزمایی، حفظ کثرت معنایی، و مقاومت در برابر استانداردسازی یکنواخت‌کننده را بر عهده گیرد. بدون این نگهبانی، خطر آن وجود دارد که عاملیت انسانی تضعیف شود و فضای عمومی به سمت پذیرش اجباری روایت‌های الگوریتمی سوق یابد.تحلیل عمیق‌تر این پارادوکس نشان می‌دهد که مسئله صرفاً فناورانه نیست، بلکه هستی‌شناختی و اخلاقی است. تولید معنا، که پیش‌تر امری انسانی و وابسته به تجربه زیسته، قضاوت اخلاقی و مسئولیت اجتماعی بود، اکنون می‌تواند به امری آماری و مبتنی بر الگوهای داده‌ای تبدیل شود. این انتقال، پرسش‌های بنیادینی درباره اعتبار، اصالت و مسئولیت‌پذیری محتوا ایجاد می‌کند. روزنامه‌نگاری داده‌محور اگرچه غنا می‌آفریند، اما بدون نظارت انسانی می‌تواند به بازتولید سوگیری‌های پنهان در داده‌های آموزشی بینجامد. شخصی‌سازی محتوا نیز اگرچه تجربه کاربری را بهبود می‌بخشد، خطر ایجاد حباب‌های اطلاعاتی و تشدید قطبی‌شدن را در پی دارد.در سطح ساختاری، تبدیل دروازه‌بانی به دروازه‌سازی، قدرت را از نهادهای رسانه‌ای متمرکز به کاربران و الگوریتم‌ها منتقل کرده است. این جابه‌جایی، فرصتی برای دموکراتیزه‌شدن تولید محتواست، اما همزمان مسئولیت سنگینی بر دوش کاربر می‌گذارد: توانایی تشخیص، ارزیابی و مقاومت در برابر محتوای تولیدشده توسط ماشین. آموزش سواد رسانه‌ای جدید که شامل فهم محدودیت‌های هوش مصنوعی، شناسایی توهمات آماری و تشخیص سوگیری‌های الگوریتمی باشد، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.در نهایت، چالش اصلی نه در نفی هوش مصنوعی، بلکه در بازتعریف رابطه انسان با آن نهفته است. همزیستی پیوندی تنها زمانی ثمربخش خواهد بود که انسان جایگاه نگهبان حقیقت و معنا را حفظ کند و اجازه ندهد شبه عاملیت ماشین، عاملیت واقعی او را به حاشیه براند.



معمای حکمرانی در «جهان بدون ناخدا»

نظام بین‌الملل در دوران گذار خود، شاهد یکی از پیچیده‌ترین و پرالتهاب‌ترین مقاطع تاریخی است. فروپاشی ساختارهای تک‌قطبی و زوال تدریجی نظمی که برای دهه‌ها تحت رهبری هژمونیک ایالات متحده آمریکا شکل گرفته بود، محافل آکادمیک و استراتژیک غرب را با بحران معنا و کارآمدی مواجه ساخته است. در همین راستا، بررسی تحلیلی کتاب تازه منتشرشده چارلز کاپچان، کارشناس خبره روابط بین‌الملل، با عنوان «نظم‌بخشی به آنارشی: حکمرانی بر جهان پیش رو»، پرده از واقعیت‌های ملموسی برای دستگاه دیپلماسی جهانی برمی‌دارد. این اثر که با طرح روی جلدی نمادین از یک شبکه درهم‌تنیده و متزلزل به چاپ رسیده است، تلاش می‌کند تا ضمن آسیب‌شناسی وضعیت موجود، نقشه راهی برای جلوگیری از غلتیدن جهان به ورطه تقابل‌های ویرانگر ارائه دهد.

پایان توهم صلح پایدار و بازگشت رقابت تیتان‌ها

کاپچان در این کتاب، نقطه عزیمت خود را بر یک اعتراف صریح و راهبردی استوار می‌کند: نظم بین‌المللی باثباتی که در دوران رهبری بلامنازع آمریکا شکل گرفت، اکنون دچار فروپاشی شده است. به باور این تحلیلگر برجسته، بلوک غرب در حال تجربه یک عقب‌نشینی استراتژیک است؛ از یک سو، نظام‌های دموکراتیک در برابر الگوهای اقتدارگرایی در حال عقب‌نشینی هستند و از سوی دیگر، بازارهای جهانی‌شده که زمانی موتور محرک همگرایی لیبرال محسوب می‌شدند، در مواجهه با تحولات جدید در مسیر نابودی قرار گرفته‌اند.بر مبنای تحلیل نویسنده، رؤیای شکل‌گیری یک صلح پایدار پس از پایان جنگ سرد، اکنون با واقعیتی سخت به نام «رقابت قدرت‌های بزرگ» جایگزین شده است. این دگرگونی بنیادین نشان می‌دهد که ساختار نظام بین‌الملل دیگر تابع اراده یک قدرت برتر نیست و بازیگران نوظهور، معادلات سنتی قدرت را دگرگون کرده‌اند.

پارادوکس نیاز به اقدام جمعی در «جهانِ بدون ناخدا»

تراژدی عصر جدید از منظر کاپچان، تقاطع دو پدیده متضاد است. این گسست ژئوپلیتیک و بازگشت به فضایی شبه‌آشوبناک، دقیقاً در مقطعی رخ می‌دهد که چالش‌های فراملی بیش از هر زمان دیگری بقای جوامع را تهدید می‌کنند. بحران‌های ناشی از تغییرات اقلیمی، تهدید شیوع همه‌گیری‌های مرگبار، و ظهور فناوری‌های نوپدید و به‌سرعت در حال تحول، برای مهار و مدیریت، بیش از هر برهه دیگری نیازمند اقدام جمعی و هماهنگ جهانی هستند.کاپچان برای توصیف این وضعیت بغرنج، از یک استعاره کلیدی استفاده کرده و آینده نظام بین‌الملل را «جهانی درهم‌تنیده، اما بدون وجود ناخدا بر سکان» توصیف می‌کند. در این جهان شبکه‌ای اما بی‌سر، هیچ کشور یا منطقه‌ای به‌تنهایی توانایی و ظرفیت تعیین مسیر تحولات را ندارد. علاوه بر این، برخلاف دوران هژمونی پساجنگ سرد، دیگر هیچ «تصور واحدی از نظم» در عرصه جهانی وجود ندارد که بتواند ثبات و امنیت را برای تمامی بازیگران تأمین کند. این فقدان ناخدا و نبود اجماع بر سر قواعد بازی، احتمال تصادم میان قدرت‌ها را افزایش می‌دهد.

بن‌بست سیاست خارجی آمریکا؛ نه بایدن، نه ترامپ

بخش مهمی از نظریه کاپچان به نقد رویکردهای کلان سیاست خارجی ایالات متحده اختصاص دارد. او با بررسی دو الگوی مدیریتی متفاوت در واشنگتن، هر دو را برای شرایط فعلی جهان ناکارآمد می‌داند. از نگاه وی، آمریکا نمی‌تواند به شیوه جو بایدن عمل کرده و با نگاهی نوستالژیک، بیهوده به جهان گذشته و نظمی که پایه‌های آن فروریخته است، چنگ بزند.از سوی دیگر، رویکرد تخریبیِ دونالد ترامپ نیز که به دنبال برچیدن نظم پیشین و رها کردن همگان در میان آوارها و هرج‌ومرج بود، نسخه‌ای فاجعه‌بار ارزیابی می‌شود. کاپچان با نفی این دو رویکرد، بر ضرورت یافتن یک راه سوم پافشاری می‌کند؛ راه سومی که مأموریت اصلی آن، «ساختن نظمی نو و متناسب با واقعیت‌های جهان چندقطبیِ در حال ظهور» است.

بازخوانی تاریخ؛ احیای ایده «کنسرت اروپا» در قرن بیست‌ویکم

برای معماری این نظم نوین، کاپچان به تاریخ دیپلماسی رجوع کرده و پیشنهاد محوری خود را با الهام از مدل «کنسرت اروپا» مطرح می‌سازد. این الگو که پس از پایان جنگ‌های ویرانگر ناپلئونی شکل گرفت، موفق شد برای دهه‌ها صلح را میان قدرت‌های بزرگ اروپایی حفظ کند.کنسرت اروپا، در واقع یک نظام غیررسمی و عمل‌گرایانه از همکاری میان قدرت‌های بزرگ بود که نطفه آن پس از شکست ناپلئون و در جریان کنگره وین (1814–1815) پایه‌گذاری شد.

وقتی خدا انکار نمی‌شود، اما دین از زندگی حذف می‌شود!



مسئله الحاد در روزگار جدید دیگر الزاماً پشت میز فلسفه و در قالب یک بحث انتزاعی درباره اثبات یا انکار خدا اتفاق نمی‌افتد. صورت مسئله تغییر کرده است. ممکن است انسان معاصر درباره وجود خدا موضع صریحی نداشته باشد، اما در عمل، دین را از تصمیم‌های مهم زندگی خود کنار بگذارد؛ اخلاق را مستقل از دین تعریف کند، معنویت را از مسیرهای دیگری بجوید، سبک زندگی‌اش را از رسانه و فرهنگ عمومی بگیرد و برای معنای زندگی نیز به منابعی بیرون از دین رجوع کند.

کتاب الحاد عمل‌گرا؛ درنگی بر دین‌ستیزی و فروپاشی امر قدسی نوشته حجت‌الاسلام احمد منصوری، دقیقاً در همین نقطه وارد میدان می‌شود؛ جایی که مسئله دیگر صرفاً باور به خدا نیست، بلکه ضرورت دین برای زندگی است. این جابه‌جایی از نظر تحلیلی مهم است؛ زیرا ممکن است جامعه‌ای در ظاهر همچنان دینی باشد، اما در لایه‌های عمیق‌تر زندگی اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی، دین به تدریج کارکرد مرجعیت خود را از دست بدهد. در چنین وضعیتی، مسئله فقط کاهش اعتقاد نیست؛ مسئله، تغییر جایگاه دین در زیست انسان است.یکی از مهم‌ترین نکات قابل توجه در کتاب منصوری، تغییر صورت پرسش نسل جدید است. پرسش سنتی این بود: آیا خدایی وجود دارد؟ اما پرسش جدید ممکن است این باشد: اگر خدا وجود دارد، چه تفاوتی در زندگی من ایجاد می‌کند؟ این دو پرسش از یک جنس نیستند. اولی بیشتر یک پرسش فلسفی و کلامی است؛ دومی پرسشی درباره تجربه زیسته انسان است. جوانی که سؤال دوم را مطرح می‌کند، لزوماً در پی یک برهان فلسفی برای رد یا اثبات خدا نیست. او می‌خواهد بداند ایمان چه نسبتی با عشق، خانواده، اخلاق، آزادی، موفقیت، شادی، آینده و انتخاب‌های روزمره او دارد.اینجاست که کار دشوارتر می‌شود. پاسخ دادن به پرسش دوم با تکرار پاسخ‌های پرسش اول، الزاماً نتیجه‌بخش نیست. ممکن است بتوان برای وجود خدا استدلال فلسفی ارائه کرد، اما هنوز این سؤال باقی بماند که این باور چگونه باید در زندگی انسان حضور پیدا کند. کتاب الحاد عمل‌گرا از این جهت نقطه عزیمت مناسبی دارد: از خود زندگی شروع می‌کند، نه صرفاً از گزاره اعتقادی.با این حال، همین مفهوم مرکزی کتاب نیازمند دقت بیشتری است، هر فردی که دین را در بخشی از زندگی خود کم‌رنگ می‌کند، الزاماً ملحد نیست. میان الحاد، بی‌دینی، دین‌گریزی، سکولاریسم، دین‌داری فردی، فردی‌شدن دین و حتی بحران ایمان‌تفاوت‌های مهمی وجود دارد.این تفکیک برای یک کتاب تحلیلی ضروری است. ممکن است فردی خدا و دین را قبول داشته باشد، اما در برخی موضوعات اجتماعی یا اخلاقی از قرائت رسمی دین فاصله بگیرد. ممکن است فرد دیگری به خدا باور داشته باشد، اما مناسک دینی را انجام ندهد. فرد دیگری ممکن است خود را معنوی بداند، ولی به نهاد دین وابستگی نداشته باشد.گرچه عنوان و ایده اصلی کتاب ظرفیت بالایی برای توضیح یک روند فرهنگی دارد، اما این مفهوم زمانی می‌تواند به یک ابزار تحلیلی قدرتمند تبدیل شود که مرزهایش با مفاهیم همجوار دقیق‌تر مشخص شود. این نقد، البته از اهمیت مسئله‌ای که نویسنده مطرح کرده کم نمی‌کند؛ بلکه برعکس، نشان می‌دهد موضوع آن‌قدر جدی است که نیازمند مفاهیم دقیق و قابل سنجش استز

شاید مهم‌ترین لایه بحث را باید در جایی فراتر از تقابل دین و الحاد جست‌وجو کرد.انسان امروز با منابع متعددی برای ساختن هویت و معنای زندگی مواجه است. خانواده، دانشگاه، رسانه، شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ مصرف، سلبریتی‌ها، جریان‌های فکری، سبک‌های زندگی جدید و حتی الگوریتم‌های پلتفرم‌های دیجیتال، همگی در حال ارائه تصویری از زندگی مطلوب هستند.در چنین فضایی، دین دیگر در یک میدان خالی سخن نمی‌گوید.نسل جدید پیش از آنکه به مسجد، کتاب دینی یا منبر دسترسی پیدا کند، ممکن است روزانه با صدها روایت درباره خوشبختی، آزادی، عشق، موفقیت، بدن، خانواده، اخلاق و معنای زندگی مواجه شود.این واقعیت، صورت مسئله را تغییر داده است. بنابراین شاید بهتر باشد الحاد عمل‌گرا را بخشی از یک پدیده بزرگ‌تر بدانیم: رقابت میان منابع مختلف برای معنا دادن به زندگی انسان.اگر دین در این رقابت نتواند برای انسان معاصر سخنی قابل فهم، اقناعی و مرتبط با تجربه روزمره داشته باشد، صرفاً با نقد مخالفان نمی‌توان جایگاه آن را حفظ کرد؟ گزاره‌هایی که در فضای فکری امروز زیاد شنیده می‌شود این است: برای انسان خوبی بودن، به دین احتیاجی ندارم. این گزاره را نمی‌توان با یک پاسخ ساده کنار گذاشت. از یک سو، انسان‌هایی در طول تاریخ وجود داشته‌اند که بدون تعلق دینی مشخص، رفتارهای اخلاقی داشته‌اند. از سوی دیگر، این پرسش فلسفی همچنان پابرجاست که مبنای الزام اخلاقی چیست و چرا انسان باید اخلاقی باشد؟در اینجا باید میان دو موضوع تفاوت گذاشت: آیا انسان بدون دین می‌تواند اخلاقی رفتار کند؟ و مبنای الزام‌آور اخلاق چیست؟ پاسخ این دو پرسش یکسان نیست. اگر بحث درباره الحاد عمل‌گرا قرار است جدی و دانشگاهی باشد، باید به این تفکیک توجه کند. زیرا صرفاً گفتن اینکه اخلاق بدون دین امکان ندارد‌نمی‌تواند به‌تنهایی یک استدلال فلسفی کامل باشد. در مقابل نیز گفتن اینکه انسان بدون دین هم می‌تواند اخلاقی باشد الزاماً مسئله مبنای اخلاق را حل نمی‌کند. اتفاقاً ارزش گفت‌وگو در همین نقطه است؛ جایی که دو طرف مجبور شوند از شعار عبور کنند و وارد استدلال شوند.وجه دیگری از بحث کتاب به کسانی مربوط می‌شود که می‌گویند من دین‌دار نیستم، اما معنوی هستم. این پدیده نیز از نشانه‌های مهم تحولات فرهنگی معاصر است. در اینجا انسان ممکن است تجربه معنوی را بپذیرد، اما نخواهد آن را در چارچوب یک نهاد دینی، مجموعه‌ای از احکام یا سنت مشخص تعریف کند. در چنین شرایطی، پرسش مهم این است که آیا معنویت بدون دین می‌تواند پاسخ کاملی به نیازهای انسان بدهد یا نه. اما برای پاسخ دقیق، ابتدا باید خود مفهوم معنویت روشن شود. اگر معنویت مفهومی بسیار گسترده باشد و هر تجربه درونی یا اخلاقی را دربر بگیرد، مقایسه آن با دین دشوار خواهد شد. بنابراین یکی از مسیرهای قابل توسعه برای پژوهش‌های بعدی، بررسی نسبت معنویت فردیو دین نهادینه در میان نسل جوان است.کتاب به جریان الحاد جدید و نویسندگانی مانند ریچارد داوکینز و آثار ضد دینی اشاره دارد. این بخش اهمیت دارد، اما به نظر می‌رسد برای فهم وضعیت امروز کافی نیست .چرا؟ چون بخش مهمی از نسل جدید از طریق مطالعه مستقیم آثار فلسفی به جهان‌بینی نمی‌رسد. محتوای کوتاه، ویدئو، پادکست، شبکه‌های اجتماعی و گفت‌وگوهای روزمره، بخش مهمی از فرآیند شکل‌گیری نگرش را در اختیار گرفته‌اند. ممکن است جوانی هیچ‌گاه کتاب توهم خدا را نخوانده باشد، اما گزاره‌های مشابه آن را بارها در قالب‌های رسانه‌ای مختلف شنیده باشد. در نتیجه، اگر قرار باشد با پدیده الحاد عمل‌گرا مواجه شویم، باید رسانه را نیز به عنوان یکی از عوامل شکل‌دهنده جهان‌بینی جدید جدی بگیریم. مواجهه فکری با این پدیده دیگر فقط در کتابخانه اتفاق نمی‌افتد



حقی برای عرب‌های ۱۹۴۸ قائل نیستند

پایگاه خبری تحلیلی عبری زبان امس (حقیقت) در گزارشی که نشان دهنده عمق نژادپرستی صهیونیستهای اشغالگر سرزمین فلسطین است،اعلام کرد که فقط ۲۲ درصد از صهیونیست‌ها از ایده مشارکت با عرب‌ها برای تشکیل کابینه حمایت می‌کنند درحالی که ۷۱ درصد تاکید می‌کنند صهیونیست‌ها باید حتی به قیمت ائتلاف با رقبا و مخالفان از همراهی با عرب‌ها در دولت اجتناب کنند.به اعتراف این رسانه حریدی: اکثریت یهودیان ساکن (فلسطین اشغالی) بر این اصل تاکید دارند که تشکیل ائتلاف فراگیر صهیونیستی به ائتلاف با احزاب عربی ارجحیت دارند.نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که فقط ۲۲ درصد از صهیونیست‌ها از ایده مشارکت دادن احزاب عربی در ائتلاف تشکیل کابینه حمایت می‌کنند درحالی که ۷۱ درصد تاکید می‌کنند ائتلاف بین احزاب یهودی مخالف بایکدیگر (آیزنکوت و نتانیاهو) با یکدیگر بر همراه کردن عرب‌ها در ساختار ائتلاف ارجحیت دارد.

به گفته ترتیب دهندگان این نظرسنجی: مخالفت با مشارکت احزاب عرب در ائتلاف دولتی، به یک اردوگاه سیاسی خاص محدود نمی‌شود.«این مخالفت نه به دو جریان راست و چپ تقسیم می‌شود و نه محدود به آنهاست، بلکه فراتر از این دو جریان است. اکثریت یهودیان در اسرائیل(فلسطین اشغالی) اعلام می‌کنند که در انتخابات شرکت نکرده‌اند تا حضور اعراب در ائتلاف دولتی را بپذیرند».

به نوشته این رسانه صهیونیستی: براساس نظرسنجی انجام‌شده افکار عمومی یهودیان برای همکاری با شهروندان عرب تشکیل مشارکت ائتلافی در سطح دولتی تردید دارد و تاکید دارد که تشکیل ائتلافی متشکل از احزاب عرب می‌تواند پیامدهای منفی بر سیاست امنیتی اسرائیل داشته باشد.

افزایش احتمال تشکیل پرونده جدید کیفری علیه نتانیاهو



روزنامه عبری زبان یسرائیل هیوم نوشت: در پی گزارش افشاگرانه رسانه‌های عبری زبان در رابطه با توطئه از پیش طراحی شده دفتر نتانیاهو برای متهم کردن احزاب عرب به تغییر نتایج انتخابات، یکی از اعضای کنست(پارلمان) از دادستانی اسرائیل خواست پرونده قضائی علیه نتانیاهو تشکیل و وی را به اتهام تلاش برای تحریف نتایج انتخابات تحت تعقیب قضایی قرار بدهد.در ادامه گزارش این رسانه صهیونیستی آمده است: تحقیقات خبرنگار شبکه 12 تلویزیون اسرائیل، که در آن از مشارکت برخی عوامل دفتر نخست‌وزیر در بازداشت سه فعال جنبش «عمل برای عدالت» (رعام) (از احزاب عرب‌های 1948) در روز انتخابات پرده برداشته شد، همچنان در محافل سیاسی و رسانه‌ای واکنش‌هایی را برمی‌انگیزد.باتن غطاس از اعضای کنست بعد از این افشاگری خواستار گشودن پرونده‌ای کیفری علیه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، و افراد دخیل در این ماجرا شده‌اند.

غطاس پس از انتشار این خبر، حمله‌ای شدیدی به نتانیاهو کرد و به کارزار نخست‌وزیر درباره ادعاهای مربوط به تقلب انتخاباتی از سوی جامعه عرب اشاره کرد. این عضو کنست گفت: «اکنون به نظر من، کارزار نتانیاهو درباره «تقلب انتخاباتی»، صرفاً لغزش زبانی‌ای درباره شیوه فعالیت در دفتر اوست».او گفت افشای این پرونده، تردیدهای جدی درباره استفاده سیاسی از دستگاه‌های امنیتی و تلاش برای تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات ایجاد می‌کند. وی افزود: افشاگری های شبکه 12، تردیدهای جدی درباره به‌کارگیری سازمان امنیت عمومی (شاباک) و نیروهای پلیس برای سرکوب سیاسی و دستکاری در انتخابات ایجاد می‌کند. در آخرین نقش‌آفرینی شاباک تحت ریاست زینی، این سازمان به‌صورت شاخه‌ای از حزب لیکود به تصویر کشیده می‌شود که در خدمت بقای سیاسی نتانیاهو است».

این عضو کنست خواستار گشوده شدن پرونده‌ای کیفری علیه نخست‌وزیر و تمام افراد دخیل در این ماجرا شد. او افزود: «ما خواستار تحقیقات کیفری علیه نخست‌وزیر و تمام افراد دخیل در این پرونده هستیم. در برابر کاهانی‌ها و فاشیست‌ها نباید هیچ‌گونه مماشاتی صورت گیرد. برای ریشه‌کن کردن آنها و سپردن افراد دخیل در این ماجرا به دست عدالت تلاش خواهیم کرد».

ایدو نوردن، سرپرست دفتر نتانیاهو، که در آستانه روز انتخابات با دفتر کمیسر پلیس تماس گرفته و اطلاعاتی درباره فعالان جنبش رَعَم ارائه کرده بود، مأموران پلیس را به یک منبع اطلاعاتی ارجاع داد که اطلاعات مرتبطی در اختیار داشت. در همان شب، هماهنگ‌کننده اطلاعات پلیس با همان منبع تماس گرفت؛ و مشخص شد این منبع تا همین اواخر در دفتر نخست‌وزیر فعالیت می‌کرد. با این حال بامداد سه‌شنبه، پلیس بدون در اختیار داشتن حکم بازرسی یا حکم بازداشت معتبر، به خانه‌های سه تن از فعالان جنبش «رَعَم» در جنوب (فلسطین اشغالی) یورش برد.اندکی بعد، پلیس به‌طور علنی اعلام کرد که سه نفر را به ظن تلاش برای رشوه دادن به رای‌دهندگان بازداشت کرده است. نتانیاهو از این اطلاعات برای بسیج رای‌دهندگان خود بهره‌برداری کرد و رسانه‌های همسو با نخست‌وزیر نیز پیام‌های او را تکرار کردند.افشای این رسوایی که رئیس دفتر نتانیاهو خود با پلیس تماس گرفته موجب وحشت در دفتر مشاور حقوقی دولت و بخش تحقیقات و اطلاعاتی آن از بیم شکل گیری یک رسوایی بزرگ دیگر برای نتانیاهو شده است.



تشدید بحران مالی رژیم صهیونیستی

روزنامه اقتصادی و عبری زبان کالکالیست در گزارشی فاش کرد که دولت اسرائیل از زمان آغاز جنگ یعنی از 7 اکتبر(طوفان الاقصی) به بعد مبلغ خریدهای خود را از شرکت تسلیحاتی اسرائیلی البیت پرداخت نکرده و این کارخانه موفق شده است علیه دولت اسرائیل حکم دریافت غرامت دیرکرد پرداخت مطالبات هم بگیرد.

به نوشته این رسانه صهیونیستی با وجود آنکه مبلغ و جدول زمان بندی پرداخت همچنان محرمانه باقی نگه داشته شده است، اما مقرر شد که دولت اسرائیل غرامت دیرکرد عدم پرداخت قیمت تسلیحات خریداری شده‌اش از شرکت البیت را که از اکتبر 2023 تاکنون است، بپردازد، این درحالی است که این مشکل برای دیگر شرکت‌های تسلیحاتی نیز وجود داشته و وزارت جنگ اسرائیل تلاش دارد تا به توافقی مشابه با شرکت‌هایی همچون شرکت صنایع نظامی و فضایی اسرائیل رافائل هم امضا کند.این رسانه در عین حال تاکید کرد با توجه به اعلام صورت مالی شرکت البیت این شرکت 33 میلیارد دلار سفارش انباشته دارد.در بخشی از این گزارش آمده است: شرکت البیت سیستمز در گزارش عملکرد سه‌ماهه سوم خود که امروز منتشر شد، از تأخیر در پرداخت مطالباتش از اکتبر 2023 خبر داد.این شرکت اعلام کرد که توافق‌نامه مربوطه به‌تازگی امضا شده است، اما مبلغ غرامت، نحوه محاسبه آن و زمان‌بندی پرداخت‌ها را مشخص نکرد. همچنین، این شرکت درباره میزان بدهی باقی‌مانده وزارت جنگ به خود و اینکه آیا هم‌زمان با پرداخت غرامت، بر سر جدول زمانی تسویه این بدهی‌ها نیز توافقی صورت گرفته است یا خیر، اطلاعاتی ارائه نکرد.

توافق‌نامه جدید به یکی از اختلافات موجود میان دولت و شرکت‌های بزرگ صنایع نظامی اسرائیل مربوط می‌شود؛ اختلافی که پس از آن شکل گرفت که از آغاز جنگ، از این شرکت‌ها خواسته شد تولیدات خود را برای ارتش اسرائیل افزایش دهند، درحالی‌که هم‌زمان با تأخیر وزارت جنگ در پرداخت مطالبات آنها روبرو هستند و عملا وزارت جنگ اسرائیل پولی به آنها پرداخت نکرده است.در همین راستا روزنامه «کالکالیست» در ماه اوت گذشته فاش کرد که بدهی وزارت جنگ به سه شرکت بزرگ صنایع دفاعی، در مجموع حدود 15.5 میلیارد شیکل برآورد می‌شود که از این میزان، حدود 3 میلیارد شیکل مربوط به شرکت البیت است. در آن زمان، بدهی وزارت جنگ به شرکت رافائل حدود 7 میلیارد شیکل و به صنایع هوافضای اسرائیل بیش از 5 میلیارد شیکل برآورد شده بود. در ماه سپتامبر، مجموع بدهی‌های این شرکت‌ها به حدود 17 میلیارد شیکل افزایش یافت و اکنون به حدود 20 میلیارد شیکل رسیده است.بر اساس برآوردهایی که کالکالیست در پایان ماه اوت منتشر کرد، هزینه تأمین مالی بدهی‌های این سه شرکت سالانه حدود یک میلیارد شیکل است.به گفته منابع امنیتی، وزارت جنگ در تلاش است با هماهنگی وزارت دارایی اسرائیل، توافق‌نامه‌های مشابهی را با صنایع هوافضای اسرائیل و شرکت رافائل نیز به امضا برساند.به اعتراف این رسانه: تقاضای بالای وزارت جنگ نقش مهمی در حمایت از رشد شرکت البیت طی سه‌ماهه اخیر داشته است. درآمدهای این شرکت در بخش‌های تسلیحات زمینی 28 درصد افزایش یافت که دلیل اصلی آن رشد فروش تسلیحات به ارتش اسرائیل بود.در همین حال روزنامه زیمان یسرائیل هم از ابعاد جدیدی از مشکلات مالی رژیم صهیونیستی بعد از سه سال جنگ پرده برداشت، اطلاعات که گفته می‌شود در نشست یکی از کمیسیون‌های کنست(پارلمان) افشا و رسانه‌ها از آن مطلع شده‌اند.به نوشته این رسانه صهیونیستی: در جلسه کمیته مالی و کمیته امور خارجی و دفاع برای نخستین بار پس از انتخابات تشکیل جلسه دادند و شکاف سیاسی در کنست را آشکار کردند؛ شکافی که اکنون خواستار دریافت پاسخ‌های روشن است.در نخستین نشست این کمیته‌ها فاش شد که مقام‌های وزارت دارایی، زمانی از خبر تعلیق کمک‌های امنیتی آمریکا به اسرائیل مطلع شدند که او این خبر را در صفحه شخصی‌اش در شبکه اجتماعی منتشر کرد این درحالی است که اسرائیل به دلیل تعهداتی که پیشاپیش با تکیه بر دریافت کمک‌های مالی آمریکا اکنون به شدت در شرایط بغرنجی قرار گرفته و با کسری بودجه‌ای سنگین روبرو شده است.در بخشی از گزارش این رسانه آمده است: نشست‌های کمیته مالی که دیروز (دوشنبه) برگزار شد، ظرفیت گسترده کنست برخوردار از حمایت دو حزب را آشکار کرد. آویشار بن‌حورین دو مقام ارشد وزارت دارایی را برای بررسی فوری‌ترین مسئله، یعنی کمک‌های امنیتی آمریکا به اسرائیل، به این نشست فراخواند.معاون کمیسر بودجه، در این نشست حضور داشت و وضعیت کلی بودجه نظامی، کسری بودجه، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی و بار مالیاتی را تشریح کرد. معاون کمیسر بودجه و مسئول مستقیم بودجه نظامی، اطلاعات مربوط به کمک‌های مالی و تعهدات موجود را ارائه داد.عنوان اصلی‌ای که از این نشست بیرون آمد، برای کسانی که روند تحولات را دنبال می‌کنند، چندان غافلگیرکننده نبود، اما همچنان بازتاب گسترده‌ای دارد.

در این جلسه مشخص شد که مسئولین اسرائیلی هم همزمان با بقیه مردم دنیا از قطع کمک‌های آمریکا مطلع شده‌اند معاون کمیسر بودجه در پاسخ به پرسش‌ها درباره اعلام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر توقف کمک‌های آمریکا به اسرائیل، این اظهارات را مطرح کرد.

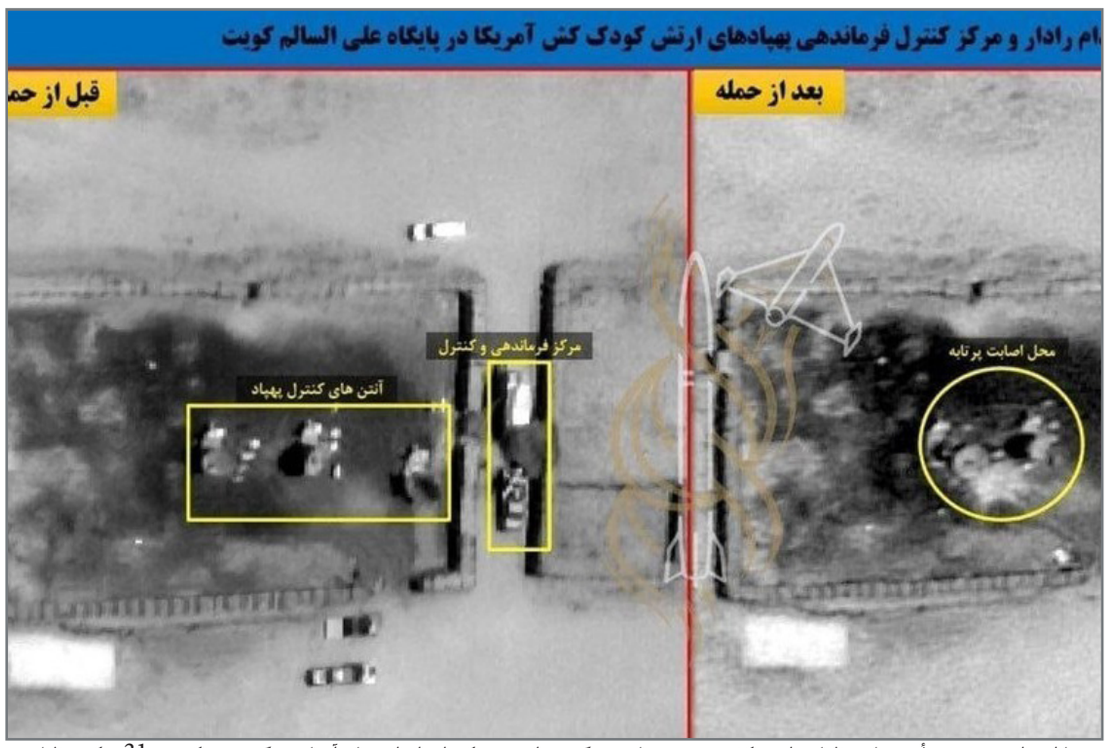
ایران چگونه معادله میزبانی از پایگاه‌های آمریکا در جهان را برهم زد؟

برای دهه‌ها، شبکه گسترده پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا و غرب آسیا یکی از مهم‌ترین ابزارهای واشنگتن برای اعمال قدرت در خارج از مرزهای خود بودند.این پایگاه‌ها به ارتش آمریکا امکان می‌دادند بدون نیاز به انتقال نیرو و تجهیزات از خاک این کشور، در فاصله هزاران کیلومتری عملیات نظامی انجام دهد، خطوط پشتیبانی خود را حفظ کند و امنیت متحدانش را در برابر تهدیدهای خارجی تضمین کند. اما جنگ علیه ایران، این معادله دیرینه را با چالشی جدی روبه‌رو کرده و تعریف بطور کلی جدیدی برای این معادله ایجاد کرده است.تحولات ماه‌های گذشته نشان داده‌اند که استقرار نیروهای آمریکایی در کشورهای دیگر، لزوماً به معنای افزایش امنیت این کشورها نیست. در شرایطی که پایگاه‌های آمریکا به اهداف بالقوه حملات موشکی و پهپادی تبدیل شده‌اند، کشورهای میزبان ممکن است ناخواسته هزینه جنگی را بپردازند که خود در آغاز آن نقشی نداشته‌اند. از سوی دیگر، واشنگتن نیز با این پرسش مواجه شده است که آیا پایگاه‌هایی که به‌سادگی شناسایی و هدف قرار می‌گیرند، همچنان می‌توانند کارکرد نظامی سابق خود را حفظ کنند؟

اکنون پایگاه‌های آمریکایی از بریتانیا تا کشورهای حاشیه خلیج فارس نه‌تنها آسیب‌پذیری زیرساخت‌های نظامی آمریکا را آشکار کرده‌اند بلکه محاسبات امنیتی متحدان واشنگتن و راهبرد استقرار نیروهای این کشور در خارج از مرزهایش را نیز تحت تأثیر قرار داده است. رادار سایت پدافندی آمریکا در پایگاه بالگردی الرفاع بحرین هدف قرار گرفتیکی از روشن‌ترین نشانه‌های تغییر معادله، خروج بخشی از تجهیزات نظامی آمریکا از پایگاه‌هایش در اروپا و غرب آسیا است. پایگاه هوایی «راف فرفورد» در منطقه گلاسترشایر بریتانیا، نمونه‌ای قابل توجه از این تحول است. این پایگاه دهه‌ها یکی از مراکز مهم پشتیبانی عملیات نظامی آمریکا بوده است. در جنگ خلیج فارس در سال 1991، جنگ یوگسلاوی در سال 1999 و جنگ عراق در سال 2003، هواپیماهای آمریکایی از این پایگاه برای انجام مأموریت‌های نظامی و تأمین سوخت استفاده کردند. در مراحل ابتدایی جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران نیز فرفورد در خدمت عملیات نظامی قرار گرفت.با این حال، در ماه اکتبر، آمریکا هر 12 بمب‌افکن راهبردی Lancer 1-B خود را از این پایگاه خارج کرد؛ اقدامی که آمریکایی‌ها گفته‌اند به دلیل نگرانی از تهدیدهای مرتبط با ایران انجام شده است.این جابه‌جایی به فرفورد محدود نماند. آمریکا در ماه نوامبر 12 فروند هواپیما را از پایگاه دیگری در بریتانیا، یعنی «راف میلدنهال»، خارج کرد. همچنین گزارش‌هایی در ماه ژوئیه منتشر شد که نشان می‌داد واشنگتن شمار زیادی از تجهیزات نظامی خود را از پایگاه‌های آسیب‌دیده در کشورهای خلیج فارس به اردن منتقل کرده و حتی گزینه انتقال بخشی از آنها به سرزمین‌های اشغالی را بررسی کرده است.این تحولات نشان می‌دهد که حتی پایگاه‌هایی که دهه‌ها بخش ثابت معماری نظامی آمریکا بوده‌اند، دیگر الزاماً مکان‌هایی امن برای استقرار تجهیزات راهبردی این کشور محسوب نمی‌شوند.

خسارت به صدها سازه نظامی آمریکا در منطقه

مهم‌ترین شواهد درباره تغییر وضعیت پایگاه‌های آمریکا را باید در خسارات واردشده به تأسیسات نظامی این کشور در جریان جنگ جست‌وجو کرد.



گزارشی که دفتر بازرس کل پنتاگون در ماه سپتامبر منتشر کرد، نشان داد که حملات ایران در چهار ماه نخست جنگ به صدها ساختمان و سازه در تأسیسات نظامی آمریکا در کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، عراق، عمان و اردن آسیب رسانده یا آنها را منهدم کرده است.ابعاد این خسارات تنها به ساختمان‌های پشتیبانی محدود نبود. دست‌کم پنج فروند هواپیمای سوخت‌رسان KC-135 در حمله به پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در عربستان سعودی آسیب دیدند. همچنین دست‌کم یک فروند هواپیمای هشدار زودهنگام و کنترل هوابرد نیز در حمله‌ای دیگر، روی زمین هدف قرار گرفت و آسیب دید.در کویت، خسارات به‌مراتب گسترده‌تر توصیف شده است. حمله به بندر شویخ باعث کشته شدن شش نظامی آمریکایی و انهدام یک مرکز عملیات ارتش تروریستی آمریکا شد. پهپادها و موشک‌های ایران به تأسیسات هوانوردی پایگاه هوایی علی‌السالم آسیب رساندند و شماری از نیروها را مجروح کردند. در اردوگاه بوهرینگ نیز تأسیسات تعمیر و نگهداری و سوخت‌رسانی هدف قرار گرفتند.

گزارش تحقیقی برنامه 60 دقیقه شبکه سی‌بی‌اس با عنوان «هزینه جنگ» (The Cost of War) که به تازگی منتشر شده هم تصاویری جدید از آسیب‌های واردشده به تأسیسات نظامی آمریکا ارائه می‌دهد. بر اساس بررسی تصاویر ماهواره‌ای و ویدئوهای جدید توسط این شبکه، ایران از زمان آغاز جنگ دست‌کم به 31 مرکز نظامی و دیپلماتیک آمریکا در هشت کشور حمله کرده و صدها ساختمان و سازه را آسیب‌دیده یا منهدم کرده است.مهم‌ترین یافته گزارش 60 دقیقه، ابعاد گسترده خسارات واردشده به زیرساخت‌های نظامی و دیپلماتیک آمریکا در منطقه است. این شبکه در گزارش خود به تأسیسات آمریکایی در عربستان سعودی، کویت، بحرین و دیگر کشورهای منطقه اشاره می‌کند و می‌گوید ابعاد تخریب‌ها بسیار گسترده‌تر از چیزی است که پنتاگون تاکنون به‌طور کامل اعلام کرده است.نورا اودانل، خبرنگار این برنامه، می‌گوید بررسی تصاویر ماهواره‌ای و ویدئوهای جدید نشان داده است که ایران از ابتدای جنگ دست‌کم 31 مرکز نظامی و دیپلماتیک آمریکا را در هشت کشور هدف قرار داده و به صدها ساختمان و سازه آسیب رسانده است.یکی از نمونه‌های مهم این خسارات، مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین است که به گفته گزارش سی‌بی‌اس، در جریان حملات ایران منهدم شده است.مستند سی‌بی‌اس برای نشان دادن آسیب‌پذیری پایگاه‌های آمریکا، به‌طور ویژه بر حمله ایران به یک مرکز فرماندهی ارتش آمریکا در بندر شوییه کویت تمرکز کرده است؛ حمله‌ای که به کشته شدن شش نظامی آمریکایی در نخستین 24 ساعت جنگ انجامید.

اهمیت این پرونده تنها به تلفات انسانی آن محدود نیست. تحقیقات هشت‌ماهه سی‌بی‌اس نشان می‌دهد که پیش از حمله، نگرانی‌هایی درباره امنیت این پایگاه وجود داشته و برخی نظامیان آمریکایی نسبت به نبود تجهیزات دفاعی مناسب هشدار داده بودند.

عبور پوشاک از سد هزینه‌ها



بازار پوشاک در ماه‌های گذشته تصویری دوگانه از خود نشان می‌دهد. ویترین فروشگاه‌ها همچنان پر از کالاهای متنوع و رنگارنگ است، اما رفت‌وآمد مشتریان کمتر از گذشته شده و بخشی از خریدها به آینده موکول شده است. این وضعیت تنها یک تغییر فصلی نیست؛ نتیجه هم‌زمانی چند عامل است: افزایش هزینه‌های تولید، رشد قیمت مواد اولیه، دشواری تأمین نقدینگی برای بنگاه‌ها و کاهش توان خرید خانوارها. در چنین فضایی، خرید پوشاک برای بخشی از خانواده‌ها جای خود را به تأمین نیازهای ضروری‌تر داده است. نخستین نشانه رکود در بازار پوشاک، تغییر سبد هزینه‌ای خانوار است. وقتی قیمت کالاهای اساسی و هزینه‌های زندگی افزایش می‌یابد، خانوارها ناچار می‌شوند اولویت‌های خود را بازبینی کنند. در این بازبینی، پوشاک معمولاً پس از خوراک، مسکن، درمان و آموزش قرار می‌گیرد. نتیجه این است که خرید لباس از حالت دوره‌ای و فصلی به حالت ضروری تغییر می‌کند؛ یعنی مشتری تنها زمانی مراجعه می‌کند که لباس قبلی دیگر قابل استفاده نباشد. این تغییر، به‌طور طبیعی بر حجم فروش اثر می‌گذارد. کاهش تعداد خریدار، در کنار هزینه‌های فروشگاه، حاشیه سود واحدهای صنفی را کم می‌کند. فروشنده‌ای که پیش از این با فروش تعدادی کالا در هر روز هزینه‌های خود را پوشش می‌داد، اکنون با فروش کمتر و کالای راکد در انبار مواجه است. ادامه این وضعیت، انگیزه او را برای سفارش جدید به تولیدکننده کاهش می‌دهد و این رکود تقاضا، به‌صورت زنجیره‌ای به بخش تولید منتقل می‌شود.

الف) مواد اولیه و وابستگی ارزی: بخش قابل‌توجهی از نهاده‌های صنعت نساجی و پوشاک، به‌ویژه الیاف و رنگ، در بازارهای جهانی قیمت‌گذاری می‌شود. بنابراین هر تغییر در نرخ ارز، به‌طور مستقیم بر هزینه تأمین آنها اثر می‌گذارد. یکی از تولیدکنندگان، نمونه گویایی از این جهش را روایت می‌کند: قیمت هر کیلوگرم نخ پنبه از 345 هزار تومان به یک میلیون تومان رسیده است. چنین افزایشی، سرمایه در گردش مورد نیاز بنگاه را چند برابر می‌کند و در شرایطی که دسترسی به تسهیلات آسان نیست، تولید را با محدودیت جدی روبه‌رو می‌سازد.

ب) ماشین‌آلات فرسوده. تجهیزات قدیمی خطوط تولید، دو پیامد دارد: کاهش بهره‌وری و افزایش ضایعات. به این معنا که تولیدکننده برای رسیدن به همان حجم محصول، مواد اولیه و انرژی بیشتری مصرف می‌کند و در نتیجه قیمت تمام‌شده بالاتر می‌رود. نوسازی این تجهیزات نیز نیازمند سرمایه‌گذاری ارزی است که در شرایط فعلی، یکی از دشوارترین بخش‌های زنجیره تأمین به شمار می‌رود.

ج) نقدینگی و سرمایه در گردش تولید پوشاک فصلی است: یعنی تولیدکننده باید ماه‌ها پیش از فصل فروش، مواد اولیه بخرد و تولید کند، در حالی که بازگشت سرمایه پس از فروش اتفاق می‌افتد. با جهش قیمت مواد اولیه، فاصله میان هزینه و بازگشت سرمایه بیشتر شده و این چرخه را برای بنگاه‌های کوچک و متوسط دشوارتر کرده است.

د) اختلال در تأمین و فروش: محدودیت‌های مقطعی در فرآیند فروش، به‌ویژه در ماه‌های پایانی سال که سهم مهمی در گردش مالی این صنعت دارد، در کنار دشواری تأمین برخی مواد اولیه وارداتی، برنامه‌ریزی تولید را با وقفه روبه‌رو کرده است.

جلالی قدیری، دبیر اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران، در تحلیل وضعیت این صنعت معتقد است: براساس برآوردها، تولید صنعت نساجی و پوشاک در مقایسه با سال گذشته حدود 30 درصد کاهش یافته است؛ کاهشی که به گفته وی می‌تواند به همان نسبت بر اشتغال این صنعت نیز اثر بگذارد. این نکته اهمیت دارد، زیرا صنعت پوشاک یکی از زنجیره‌های اشتغال‌زای گسترده است و کاهش تولید در آن، تنها یک عدد آماری نیست، بلکه بر معیشت کارگران و فعالان خرد اثر می‌گذارد.وی در بخش دیگری از تحلیل خود، به شکاف میان تورم و درآمد اشاره می‌کند. به گفته او، با استناد به برآورد بانک مرکزی، تورم کالاها در سال گذشته 97 درصد بوده، در حالی که قدرت خرید مردم تنها 30 درصد افزایش یافته است. همچنین قیمت مواد اولیه در چند سال گذشته حدود 50 برابر شده، اما درآمد مصرف‌کننده با همین شتاب رشد نکرده است. نتیجه این ناترازی در آمار مصرف دیده می‌شود: سرانه مصرف محصولات نساجی و پوشاک که در سال 1397 حدود 150 دلار بود، اکنون به کمتر از 100 دلار رسیده است.

او درباره ساختار تأمین مواد اولیه نیز تصویری دقیق ارائه می‌کند: نیاز سالانه کشور به الیاف پنبه 170 هزار تن است که 70 هزار تن آن در داخل تولید و 100 هزار تن از طریق واردات تأمین می‌شود. تمام نیاز کشور به ویسکوز، به دلیل ملاحظات زیست‌محیطی در تولید، از واردات فراهم می‌شود. در مورد اکریلیک، نیمی از نیاز وارداتی و نیم دیگر داخلی است. در حوزه پلی‌استر نیز پیش از آسیب‌دیدن برخی واحدهای پتروشیمی، حدود 80 درصد نیاز صنعت از سوی شرکت‌های پتروشیمی تأمین می‌شد؛ به گفته او پس از این آسیب‌ها سهم تأمین داخلی اندکی افزایش یافت و با بازگشت ظرفیت پتروشیمی‌ها به شرایط عادی، انتظار می‌رود این سهم به سطح پیشین بازگردد.این آمارها در مجموع یک تصویر روشن می‌سازد: صنعت پوشاک به‌طور هم‌زمان با فشار هزینه، محدودیت تأمین و کاهش تقاضا روبه‌روست و حل آن، به اقدام در هر سه حوزه نیاز دارد.

فروش اقساطی؛ ابزاری شناخته‌شده در بازارهای جهانی

در چنین شرایطی، یکی از راهکارهایی که واحدهای تولیدی و فروش به آن روی آورده‌اند، عرضه محصولات با شرایط فروش اقساطی و اعتباری است. این روش در بسیاری از کشورهای جهان نیز سال‌هاست به‌عنوان یکی از ابزارهای متعارف تحریک تقاضا به کار می‌رود و در بازارهایی که تورم فشار سنگینی بر بودجه خانوار وارد می‌کند، کارکرد خود را نشان داده است.منطق این روش ساده است: خریدار به‌جای پرداخت یک‌جای هزینه، آن را در بازه‌ای زمانی تقسیم می‌کند و در نتیجه مبلغ ماهانه خرید با توان مالی او هم‌خوان‌تر می‌شود. برای تولیدکننده و فروشنده نیز این امکان فراهم می‌شود که کالای موجود در انبار به گردش درآید و جریان نقدینگی، حتی به‌صورت مرحله‌ای، حفظ شود.تجربه فعالان بازار پوشاک از این شیوه، در مجموع مثبت ارزیابی می‌شود. به گزارش آنها، فروش اقساطی توانسته تا حدودی فاصله میان نیاز مشتری و محدودیت نقدینگی او را پر کند و در نتیجه بخشی از تقاضای بالقوه را به خرید واقعی تبدیل کند. برای واحدهای صنفی نیز این روش به معنای حفظ مشتری، کاهش انبار و جلوگیری از راکد ماندن سرمایه بوده است.

نشانه‌های بازگشت اقتصاد به ثبات پس از شوک جنگی

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در آیین افتتاحیه هجدهمین نمایشگاه نظام مالی، سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌های دیجیتال با اشاره به شرایط دشوار اقتصادی کشور در سال 1404 اظهار کرد: زمانی که فعالیت خود را در وزارت اقتصاد آغاز کردیم، کشور با مجموعه‌ای از بحران‌های انباشته و ناترازی‌های اقتصادی مواجه بود که حتی بدون وقوع جنگ نیز می‌توانست تبعات سنگینی برای اقتصاد به همراه داشته باشد.وی افزود: در ادامه سال، اقتصاد کشور با شوک‌های متعددی از جمله آنچه کودتای ارزی خوانده شد و سپس جنگ تحمیلی چهارروزه و گسترش محاصره اقتصادی مواجه شد. این تحولات در شرایطی رخ داد که اقتصاد از قبل نیز با مشکلات ساختاری و ناترازی‌های مختلف دست‌وپنجه نرم می‌کرد.

جلوگیری از ورود اقتصاد به ابرتورم

وزیر اقتصاد با اشاره به فشارهای تورمی و شوک‌های واردشده به اقتصاد کشور گفت: در چنین شرایطی، شوک‌های ارزی و تورمی آثار جدی بر اقتصاد داشتند، اما برنامه دولت این بود که تاب‌آوری اقتصادی کشور را افزایش دهد. در مقطعی پیش‌بینی‌هایی درباره ورود اقتصاد به ابرتورم مطرح می‌شد، اما با مجموعه اقدامات انجام‌شده از وقوع چنین وضعیتی جلوگیری شد.مدنی‌زاده ادامه داد: امروز پس از گذشت چهار ماه می‌توان گفت روند افزایش ماهانه قیمت‌ها و تورم ماهانه مهار شده است و با همکاری بانک مرکزی، به‌تدریج روند کاهشی تورم را دنبال خواهیم کرد.وی با تأکید بر اینکه فعالیت مؤثر اقتصاد در گرو ثبات و پیش‌بینی‌پذیری است، تصریح کرد: اقتصاد زمانی می‌تواند به‌درستی کار کند که در سطح اقتصاد کلان از ثبات و قابلیت پیش‌بینی برخوردار باشد.

بازگشت ثبات؛ اولویت نخست وزارت اقتصاد

وزیر اقتصاد با بیان اینکه نخستین اولویت دولت بازگرداندن ثبات به اقتصاد بود، گفت: تحقق این هدف به اصلاح سیاست‌های مالی و پولی نیاز داشت تا از رشد بی‌رویه نقدینگی جلوگیری شود. از سوی دیگر، برای ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد، اصلاحات ارزی نیز در دستور کار قرار گرفت.مدنی‌زاده با تشریح دو محور اصلی برنامه‌های وزارت اقتصاد اظهار کرد: محور نخست، رشد اقتصادی و محور دوم، تحقق رشد عدالت‌محور و مبتنی بر مردم است. موتورهای اصلی رشد اقتصادی نیز سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری هستند.وی افزود: برای تحقق این اهداف، واگذاری امور و فراهم کردن زمینه مشارکت مردم و بخش خصوصی در اقتصاد ضرورت دارد. در کنار آن، توجه به عدالت توزیعی و حمایت از اقشار کم‌درآمد نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

چهار محور تاب‌آوری اقتصادی در شرایط جنگ

وزیر اقتصاد با اشاره به برنامه‌های دولت برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی کشور در شرایط جنگی گفت: این برنامه‌ها در چهار محور دنبال شد که از جمله آنها حمایت اضطراری از معیشت مردم، تأمین کالاهای اساسی و تداوم تجارت کشور بود.وی با اشاره به تأثیر محاصره اقتصادی بر مسیرهای تجاری کشور افزود: محدودیت‌های ایجادشده موجب شد توجه بیشتری به مسیرهای تجاری و کریدورهای شمالی داشته باشیم. در این دوره، تجمیع قابل‌توجهی در حوزه حمل‌ونقل و مرزها شکل گرفت و دولت تلاش کرد با تسهیل تردد و تجارت، جریان مبادلات تجاری کشور را حفظ کند.مدنی‌زاده با بیان اینکه در دو ماه اخیر روند تجارت کشور صعودی شده است، حفظ اشتغال بنگاه‌های اقتصادی را نیز از اولویت‌های دولت دانست و گفت: حمایت از بنگاه‌ها و جلوگیری از آسیب به اشتغال در شرایط ناشی از شوک‌های اقتصادی در دستور کار قرار داشته است.

نشانه‌های بازگشت اقتصاد به ثبات پس از شوک جنگی

وزیر اقتصاد با اشاره به آثار جنگ بر شاخص‌های اقتصادی اظهار کرد: شوک بزرگی به اقتصاد وارد شد و رشد تجارت منفی شد و تورم نیز افزایش یافت، اما آمار و ارقام کلان اقتصادی امروز حاکی از بازگشت تدریجی اقتصاد به مسیر ثبات است.وی تأکید کرد: برنامه دولت در ادامه، تقویت تاب‌آوری اقتصادی، بازگرداندن ثبات و پیش‌بینی‌پذیری به فضای اقتصاد کلان و فراهم کردن زمینه رشد اقتصادی با مشارکت مردم و بخش خصوصی خواهد بود.

سازمان سرمایه‌گذاری ایران و 800 فرصت سرمایه‌گذاری

وزیر اقتصاد تسهیل سرمایه‌گذاری را از اولویت‌های این وزارتخانه دانست و گفت: پنجره واحد سرمایه‌گذاری در حال ایجاد است و سازمان سرمایه‌گذاری ایران نیز با ساختار جدید، راهبری و هدایت برنامه‌های اصلی سرمایه‌گذاری کشور را برعهده خواهد گرفت.

مدنی‌زاده افزود: رفع موانع سرمایه‌گذاری، تسهیل سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و کمک به تأمین مالی پروژه‌ها از مأموریت‌های این سازمان است. همچنین 800 فرصت سرمایه‌گذاری با قابلیت سودآوری و ارزآوری برای معرفی به سرمایه‌گذاران شناسایی شده است.

وی با تأکید بر راهبرد مردمی‌سازی اقتصاد اظهار کرد: دولت باید زمینه فعالیت مردم و بخش خصوصی را فراهم کند و از تصدی‌گری فاصله بگیرد. در همین راستا، صندوق مولدسازی و صندوق تضمین ملی نیز برای حمایت از سرمایه‌گذاری و تضمین پروژه‌های بزرگ در دستور کار قرار دارند.



هدایت منابع مالی به سمت تولید و پروژه‌های پربازده

وزیر اقتصاد با تأکید بر نقش نظام تأمین مالی در هدایت تولید گفت: بانک‌ها، بازار سرمایه، صنعت بیمه و بازار بدهی نباید صرفاً تأمین‌کننده منابع باشند، بلکه باید سرمایه‌ها را به سمت پروژه‌هایی هدایت کنند که بهره‌وری، سودآوری و ارزآوری بیشتری دارند.

وی توسعه ابزارهای ارزی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی و رفع موانع سپرده‌های ارزی را از جمله اقدامات در این حوزه برشمرد و افزود: برای دستیابی به رشد اقتصادی بالا باید منابعی که خارج از چرخه فعالیت‌های مولد قرار گرفته‌اند، به اقتصاد بازگردند و از ظرفیت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی استفاده شود.

مدنی‌زاده همچنین بر ضرورت فاصله گرفتن از اقتصاد تکلیفی تأکید کرد و گفت: باید منابع مالی در اختیار پروژه‌های دارای توجیه اقتصادی قرار گیرد و زمینه مشارکت فعالان بخش خصوصی در اجرای طرح‌های مولد فراهم شود.

اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی؛ محور افزایش بهره‌وری

وزیر اقتصاد، توسعه اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی را از محورهای اصلی افزایش بهره‌وری دانست و اظهار کرد: اقتصاد دیجیتال نباید صرفاً صنعتی در کنار سایر صنایع باشد، بلکه باید در بخش‌هایی مانند فولاد، معدن و سایر حوزه‌های تولیدی به کار گرفته شود تا بهره‌وری آنها افزایش یابد.

وی از برنامه ایجاد مسیر سبز برای تسهیل پذیرش و عرضه شرکت‌های اقتصاد دیجیتال در بورس خبر داد و افزود: همچنین با استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد دیجیتال، فرآیندهای تأمین مالی از بازار سرمایه تسهیل و متحول خواهد شد.



تراستی‌ها چقدر ارز به کشور بدهکارند؟

پرونده تراستی‌ها بار دیگر به صدر اخبار اقتصادی بازگشته است. واسطه‌هایی که قرار بود در شرایط تحریم، مسیر انتقال درآمدهای ارزی کشور را هموار کنند، حالا عملکرد برخی از آنها به موضوع ده‌ها پرونده قضایی تبدیل شده است. تازه‌ترین اظهارات سخنگوی قوه قضاییه نشان می‌دهد تعداد پرونده‌های مرتبط با تراستی‌ها به 73 مورد رسیده، اما هنوز تصویر روشنی از مجموع منابع ارزی بازنگشته و میزان مطالبات وصول‌شده در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است.

سیدعلی کاظمی، سخنگوی قوه قضاییه، امروز 26 آبان 1405 از رسیدگی به 73 پرونده مرتبط با تراستی‌ها خبر داد و اعلام کرد که برخی از این پرونده‌ها با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شده‌اند و رسیدگی به برخی دیگر همچنان در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد. او همچنین از پیگیری هزاران پرونده مرتبط با رفع تعهدات ارزی صادراتی و وارداتی سخن گفت؛ پرونده‌هایی که اگرچه از نظر ماهیت با موضوع تراستی‌ها تفاوت دارند، اما همگی بخشی از چالش بزرگ‌تر بازگشت منابع ارزی به چرخه اقتصاد کشور را نشان می‌دهند.

اهمیت این اظهارات زمانی بیشتر می‌شود که آمار جدید را در کنار گزارش‌های قبلی دستگاه قضایی قرار دهیم. سخنگوی قوه قضاییه 28 مهرماه اعلام کرده بود که 71 پرونده درباره تراستی‌ها تشکیل شده و 23 پرونده به دادگاه راه یافته است. در همان مقطع، 150 شخص حقیقی و 25 شخص حقوقی نیز در ارتباط با این پرونده‌ها تحت تعقیب قرار داشتند. حالا با افزایش تعداد پرونده‌ها به 73 مورد، روشن است که رسیدگی قضایی به عملکرد این واسطه‌های مالی همچنان ادامه دارد.اما آنچه پرونده تراستی‌ها را از یک موضوع صرفاً قضایی فراتر برده، ارتباط مستقیم آن با منابع ارزی کشور است. تراستی‌ها در سال‌های گذشته و به‌ویژه در شرایط تشدید محدودیت‌های بانکی و تحریم‌های بین‌المللی، نقش مهمی در انتقال پول حاصل از صادرات نفت و سایر مبادلات خارجی بر عهده گرفته‌اند. در شرایطی که استفاده از مسیرهای متعارف بانکی با دشواری همراه بوده، بخشی از نقل‌وانتقالات مالی کشور از طریق این واسطه‌ها انجام شده است. با این حال، اتکای گسترده به چنین سازوکاری، مسئله نظارت بر گردش پول و تضمین بازگشت منابع را به یکی از حساس‌ترین موضوعات مدیریت ارزی تبدیل کرده است.البته تشکیل پرونده قضایی برای تعدادی از تراستی‌ها به معنای تخلف تمام فعالان این حوزه نیست. سخنگوی قوه قضاییه پیش‌تر اعلام کرده بود که تنها حدود دو تا سه درصد از فعالان این بخش رفتارهای نادرست داشته‌اند. با وجود این، حتی تخلف بخش محدودی از واسطه‌های مالی نیز زمانی که پای درآمدهای کلان ارزی در میان باشد، می‌تواند پیامدهای قابل‌توجهی برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد.

در هفته‌های اخیر، موضوع بازگشت پول نفت از تراستی‌ها در مجلس نیز با حساسیت بیشتری دنبال شده است. برخی نمایندگان نسبت به باقی‌ماندن منابع ارزی در اختیار واسطه‌ها هشدار داده و خواستار شفاف‌سازی درباره هویت تراستی‌ها، میزان بدهی آنها و دستگاه‌های مسئول نظارت بر عملکردشان شده‌اند. در مقابل، اظهاراتی نیز درباره بازگشت بخش عمده‌ای از درآمدهای نفتی مطرح شده است. همین تفاوت در روایت‌ها نشان می‌دهد که هنوز آمار جامع و یکپارچه‌ای از وضعیت مطالبات ارزی در دسترس عموم قرار نگرفته است.

یکی از مهم‌ترین ابهامات موجود، فاصله میان تعداد پرونده‌های تشکیل‌شده و ارزش مالی منابعی است که موضوع این پرونده‌ها قرار گرفته‌اند. افزایش تعداد پرونده‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند نشان دهد چه میزان ارز در خارج از کشور باقی مانده یا چه مقدار از مطالبات دولت قابل وصول است. برای ارزیابی دقیق‌تر عملکرد دستگاه‌های مسئول، لازم است ارزش مالی پرونده‌ها، میزان منابع بازگردانده‌شده و وضعیت مطالبات باقی‌مانده نیز مشخص شود.

از سوی دیگر، مسئله مسئولیت دستگاه‌های اجرایی در این پرونده همچنان اهمیت دارد. وزارت نفت متولی فروش نفت و بانک مرکزی یکی از نهادهای اصلی مسئول در مدیریت جریان ارز کشور است. از این رو، روشن‌شدن حدود مسئولیت هر دستگاه در انتخاب واسطه‌ها، دریافت تضمین‌های معتبر و نظارت بر بازگشت درآمدهای نفتی می‌تواند بخش مهمی از ابهامات موجود را برطرف کند.



تجربه‌های فجر۴۴ برای دبیر جدید

با انتخاب علیرضا تابش به‌عنوان دبیر چهل‌وپنجمین جشنواره ملی فیلم فجر، یکی از مهم‌ترین ابهام‌های این رویداد سینمایی برطرف شد؛ اما حالا پرسش اصلی این است که دبیر جدید در فرصت باقی‌مانده تا برگزاری جشنواره چه برنامه‌ای برای یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور دارد و چگونه می‌خواهد از تجربه دوره‌های گذشته برای بهبود وضعیت آن استفاده کند؟
انتخاب تابش از این جهت قابل توجه است که او برخلاف برخی مدیران تازه‌وارد به عرصه دبیری جشنواره، سابقه‌ای طولانی در مدیریت فرهنگی و سینمایی دارد. مدیریت هفت‌ساله بنیاد سینمایی فارابی، دبیری سه دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، دبیری دو دوره جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی و حضور در شوراهای سیاست‌گذاری رویدادهای سینمایی، بخشی از کارنامه مدیریتی اوست. همچنین فعالیت در مطبوعات تخصصی سینما و آشنایی با فضای رسانه‌ای، از دیگر ویژگی‌هایی است که می‌تواند در مسئولیت تازه او اهمیت داشته باشد.با این حال، برخورداری از سابقه مدیریتی لزوماً به معنای موفقیت در اداره جشنواره‌ای با مختصات فجر نیست. جشنواره فیلم فجر صرفاً مجموعه‌ای از نمایش‌ها، نشست‌ها و مراسم افتتاحیه و اختتامیه نیست. دبیر این رویداد باید بتواند نبض سینمای ایران را در دست بگیرد، برای حضور آثار شاخص تلاش کند، با هنرمندان و رسانه‌ها ارتباط مؤثر داشته باشد و در بزنگاه‌های مهم، مسئولیت فرهنگی و ملی خود را به یاد بیاورد.تابش اکنون با فرصتی محدود و انتظاراتی گسترده روبه‌روست. او باید نشان دهد که تجربه مدیریت بنیاد فارابی و برگزاری رویدادهای سینمایی، چگونه می‌تواند به ارتقای کیفیت و اعتبار فجر منجر شود. در این مسیر، اما آنچه که امروز بیش از هرچیزی اهمیت دارد توجه به درس عبرت‌هایی است که از سال گذشته با آن روبرو بوده‌ایم و حالا مانند آزمون‌هایی است که دبیر محترم جشنواره فیلم فجر باید از آنها سربلند بیرون بیاید.یکی از مهم‌ترین مایه عبرت‌های دوره گذشته، ضرورت مواجهه مستقیم، شفاف و مسئولانه با رسانه‌هاست. در یادداشتی که پیش‌تر منتشر شد، به یکی از ایرادات جدی جشنواره فیلم فجر در سال 1404، یعنی تشکیل نشدن روابط عمومی مستقل برای جشنواره، اشاره کردیم؛ اتفاقی کم‌سابقه که مایه تعجب بسیاری از اهالی رسانه شد.

چرا باید «کوچ» را خانوادگی ببینیم؟



«کوچ» یکی از معدود فیلم‌هایی است که با نگاهی انسانی و اخلاق‌مدار، به موضوع تربیت و شکل‌گیری شخصیت یک قهرمان از دوران کودکی می‌پردازد. این فیلم با روایت بخشی از زندگی شهید حاج قاسم سلیمانی، می‌کوشد نشان دهد که چگونه تربیت دینی و اخلاقی در بستر خانواده و در فضایی سالم و مؤمنانه، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیتی شود که سال‌ها بعد به قهرمانی ملی و الگویی برای نسل جوان تبدیل می‌شود.مهم‌ترین امتیاز «کوچ» توجه به یکی از بخش‌های کمتر دیده‌شده زندگی شهدا و شخصیت‌های بزرگ است؛ بخشی که معمولاً در سینما و تلویزیون کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد: چه عواملی در شکل‌گیری شخصیت این افراد نقش داشته و چه مسیری آنان را به آن جایگاه والای اخلاقی، انسانی و معنوی رسانده است؟ فیلم به‌جای آنکه صرفاً بر دستاوردها و وجوه قهرمانانه شخصیت اصلی تمرکز کند، به سراغ ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری این شخصیت می‌رود. این رویکرد، مهم‌ترین دستاورد محتوایی فیلم است؛ رویکردی که «کوچ» توانسته با بیانی آبرومندانه و در قالبی هنرمندانه به تصویر بکشد.از سوی دیگر، توجه فیلم‌ساز به فضای روستا و مناسبات زندگی روستایی، در پیوند با ساختار درام خانوادگی و بهره‌گیری از موقعیت‌های کمدی و عناصر مرتبط با سینمای کودک و نوجوان، به شکل‌گیری اثری خوش‌ساخت و جذاب انجامیده است. «کوچ» از آن دسته فیلم‌هایی است که می‌توان آن را در کنار اعضای خانواده تماشا کرد. سینمای خانوادگی در ایران، برخلاف ظرفیت و اهمیتش، همچنان یکی از حوزه‌های کم‌توجه‌مانده است. درحالی‌که بخش قابل‌توجهی از تولیدات سینمایی، مخاطب مشخصی از میان بزرگسالان یا کودکان را هدف می‌گیرند، فیلم خانوادگی اثری است که می‌تواند هم‌زمان با نسل‌های مختلف ارتباط برقرار کند. «کوچ» در همین مسیر حرکت می‌کند.اهمیت تماشای این فیلم در کنار اعضای خانواده، صرفاً به مناسب‌بودن محتوای آن برای گروه‌های سنی مختلف محدود نمی‌شود. «کوچ» ظرفیت آن را دارد که به تجربه‌ای مشترک و حتی زمینه‌ای برای گفت‌وگوی خانوادگی تبدیل شود.
مواجهه کودک با مفاهیمی مانند درست و نادرست، مسئولیت‌پذیری و پیامدهای رفتار، در کنار مشاهده واکنش والدین به اشتباهات فرزندان، می‌تواند برای هر دو گروه آموزنده باشد. از این منظر، فیلم فراتر از یک سرگرمی خانوادگی، موقعیتی برای تأمل درباره شیوه تربیت و شکل‌گیری مناسبات اخلاقی در خانواده فراهم می‌کند.
اسفندیاری: «کوچ» روایت رشد و حرکت انسان‌هاست
اما امتیاز دیگر «کوچ» را باید در نوع مواجهه آن با فقر و محرومیت جست‌وجو کرد. فیلم نشان می‌دهد که می‌توان از زندگی در شرایط دشوار و محروم، تصویری شریف، انسانی و باورپذیر ارائه داد؛ بی‌آنکه فقر را به ابزاری برای تولید تصاویر تلخ، چرک و اغراق‌آمیز تبدیل کرد. اشاره به کمبودها و دشواری‌های زندگی در اینجا نه به معنای تقلیل شخصیت‌ها به موقعیت اقتصادی‌شان، بلکه فرصتی برای نمایش ظرفیت انسان در مواجهه با مشکلات است. فیلم بر این امکان تأکید می‌کند که محرومیت لزوماً به انحراف و سقوط منتهی نمی‌شود و انسان می‌تواند با اتکا به تربیت، اراده و ارزش‌های اخلاقی، مسیر رشد و تعالی را طی کند.بازی بازیگران کودک و نوجوان نیز از نقاط قوت فیلم است. بازی‌هایی که توانسته‌اند توجه داوران دو رویداد مهم، چهل‌وچهارمین جشنواره ملی فیلم فجر و سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان را جلب کنند و برای فیلم دستاوردهایی به همراه داشته باشند. این بازی‌ها از نظر ارتباط با مخاطب نیز موفق عمل می‌کنند و به باورپذیری فضای داستان کمک می‌کنند. حضور بازیگران کم‌سن‌وسال، در کنار هدایت مناسب آن‌ها، باعث شده است که مخاطب بزرگسال و کودک بتوانند با شخصیت‌ها همراه شوند. ریتم فیلم نیز در این همراهی نقش مهمی دارد؛ ضرباهنگی که در مجموع متناسب با ظرفیت داستان پیش می‌رود و مانع از افت محسوس کشش روایی می‌شود.این یادداشت در پی واکاوی زیبایی‌شناسی و فرمیک «کوچ» نیست، اما نمی‌توان به جنبه هنری آن اشاره نکرد و از آن چشم پوشید: پیوند میان ظرفیت‌های درام روستایی و زیبایی‌شناسی طبیعی و معنوی زندگی در روستا.



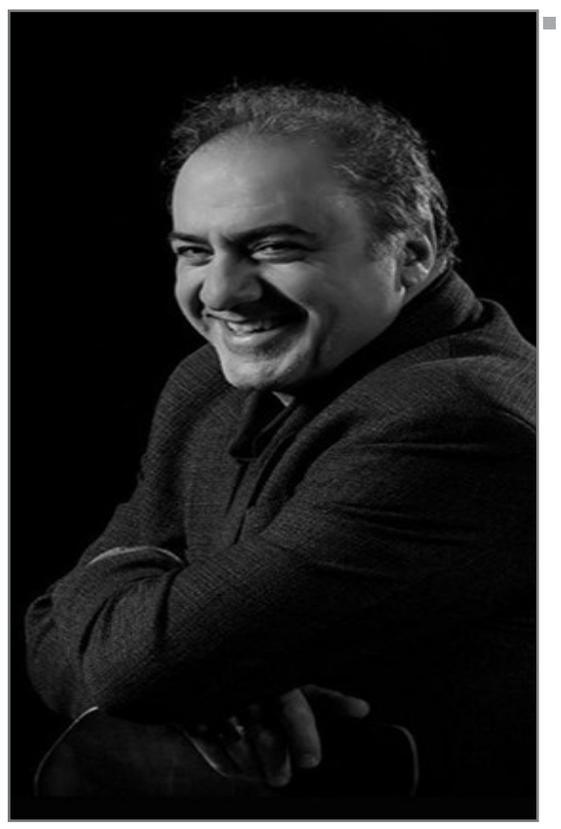
پشتیبانی رهبر شهید انقلاب از ادبیات مقاومت

آیین رونمایی از تقریظ رهبر شهید انقلاب بر کتاب «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» در بیست و دومین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت برگزار شد.در این مراسم که در مجموعه فرهنگی سرچشمه برگزار شد، جمعی از صاحبان اندیشه و قلم حضور داشتند و از نیما اکبرخانی نویسنده کتاب «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» تقدیر شد.

دفاع مقدس، سرچشمه جریان مقاومت شد
در این مراسم، سردار محمدرضا نقدی صحبت کرد. او با اشاره به الهام‌بخش بودن دفاع مقدس گفت: دفاع مقدس، تبدیل به مادر جریان مقاومت در منطقه و الهام‌بخش همه حرکت‌های مقاومت شد؛ امروز باید آثار و حماسه‌های شهدا در قالب کتاب به همگان معرفی شود. وی ادامه داد: به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی در کشورهای اسلامی منطقه، یکی از بزرگ‌ترین جنایت‌های تاریخ بود. جنایتی که با حمایت‌های بی‌پایان مالی و تسلیحاتی قدرت‌های بزرگ همراه شد و امکان ادامه حیات و ارتکاب جنایت را برای این رژیم فراهم کرد. انقلاب اسلامی در فاصله‌ای کوتاه پس از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، در برابر این حرکت جنایتکارانه قد بلند کرد و جریان اصیل مقاومت را شکل داد. مجاهدان و شهدا با ایستادگی و فداکاری خود، عظمت این مقاومت را به نمایش گذاشتند. البته این رژیم دیگر شانسی برای ادامه حیات ندارد و به‌نوعی تمام‌شده است. حرکت و ایستادگی ملت‌ها و برکت خون شهدا، دامنه بیداری و مقاومت را در جهان گسترش خواهد داد.
نقدی با اشاره به ضرورت ثبت و ضبط حماسه‌های مقاومت گفت: باید آثاری که دفاع مقدس و انقلاب اسلامی را با عظمت و بزرگی جبهه مقاومت پیوند می‌دهد، ثبت و ضبط کرد. دفاع مقدس، مادر جریان مقاومت شد و الهام‌بخش حرکت‌های مقاومت در منطقه بود؛ ازاین‌رو باید این آثار در کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی قرار بگیرند تا مردم از آنها استفاده کنند. امروز پیروزی‌ها و حماسه‌های شهدا باید در قالب کتاب‌ها و آثار مکتوب روایت شود؛ چراکه بخش بزرگی از مردم جهان به دلیل عملکرد رسانه‌های دروغگو از حقیقت و واقعیت‌ها دور مانده‌اند.

پشتیبانی رهبر شهید انقلاب از ادبیات مقاومت، برای نویسندگان دلگرم‌کننده بود
در بخش دیگری از این مراسم، مرتضی سرهنگی، از چهره‌های شاخص ادبیات پایداری صحبت کرد. او گفت: نوشتن درباره جنگ پس از پایان آن، سنتی شناخته‌شده در کشورهای مختلف جهان است و بسیاری از کشورها به ثبت و ضبط روایات خود از جنگ پرداخته‌اند. این موضوع در کشورمان نیز با محوریت دفاع مقدس شکل گرفته و به خوبی توانسته مسیر خود را پیدا کند. یکی از مشوقان اصلی این حوزه، حضرت آقا بودند و شاید برخی ندانند که پشتیبانی ایشان از ادبیات جنگ و مقاومت تا چه اندازه برای نویسندگان و فعالان این عرصه دلگرم‌کننده بوده است.
وی ادامه داد: در این حوزه نباید خسته بشویم، چراکه کار ادبیات جنگ با پایان جنگ تمام نمی‌شود و این روایت باید همچنان ادامه پیدا کند. خاطرم هست در سفری که به روسیه داشتم و با اعضای اتحادیه نویسندگان آنجا دیدار داشتم، متوجه شدم که همچنان به فعالیت در حوزه ادبیات جنگ ادامه می‌دهند. وقتی از مسئول اتحادیه پرسیدیم که چرا هنوز در این زمینه کار می‌کنید، پاسخ داد: «روسیه بدون ادبیات جنگ فقط یک خاک است؛ هیچ چیزی نیست.»در بخش دیگری از مراسم، محمدرضا حبیب‌الهی، مدیر انتشارات انقلاب اسلامی گفت: قالب‌های تازه‌ای برای انجام مأموریت فرهنگی انتشارات انقلاب اسلامی به جهت حفظ و ترویج اندیشه و شخصیت رهبر شهید انقلاب داریم. رمان خاکسپاری دوم بانوی مرگ، حاصل این رویکرد است. این کتاب برای نخستین بار در نمایشگاه کتاب سال ۱۴۰۳ عرضه و با استقبال خوب مخاطبان روبه‌رو شد. حدود سه ماه پس از آن، در مردادماه ۱۴۰۳، رهبر شهید انقلاب این کتاب را مطالعه و آن را تحسین و تشویق کردند؛ اتفاقی که زمینه‌ساز برگزاری این آیین شد.
وی ادامه داد: تلاش کردیم این جلسه پیش از شهادت ایشان برگزار شود، اما پس از شهادت، شرایط برگزاری مراسم تغییر کرد و این اتفاق به آن ابعاد و معنای متفاوتی بخشید. نیما اکبرخانی، نویسنده این رمان دیگر سخنران این مراسم بود. او گفت: پذیرفتن چنین مسئولیتی کار ساده‌ای نبود؛ به‌ویژه آنکه اثر به توصیه رهبر شهید انقلاب درباره پرداختن به ادبیات و داستان انقلاب در حوزه دفاعی مربوط می‌شد. این مسئولیت برای من بسیار سنگین بود و امیدوارم از عهده آن برآمده باشم. نوشتن این اثر را از ابتدای سال ۱۴۰۲ آغاز کردم و در آذر همان سال تحویل دادم. در این مسیر، آقای صابری با شجاعت از شیوه‌ای که برای روایت انتخاب کرده بودم حمایت کردند و در تمام مراحل نگارش همراه بودند. تلاش کردیم روایت رشد و پیشرفت ایران در حوزه دفاعی را در قالب داستانی متفاوت ارائه کنیم. وی ادامه داد: شیوه انتخاب‌شده برای این کتاب از نظر فرمی تجربه‌ای پرریسک بود؛ در این روایت، توصیه رهبر شهید انقلاب به‌صورت مستقیم و در لایه‌های آشکار داستان مطرح نمی‌شد.علیرضا مختارپور، مشاور رئیس دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب، نیز گفت: هنرمندان، نویسندگان، گویندگان، مجریان و کارگردانان باید با یکدیگر همراه شوند تا مفاهیم ارزشمند اسلامی را در قالب آثار هنری به جامعه منتقل

شاهکار شهید طهرانی‌مقدم با صدای گرم فرهاد قائمیان



حیرت دوست و دشمن از اولین اقدام موشکی ایران توسط شهید حسن طهرانی مقدم چگونه اتفاق افتاد؟ فرهاد قائمیان، بازیگر مشهور سینما و تلویزیون، ماجرای شنیدنی از اولین گام موشکی ایران را با صدای گرم خود روایت کرده است.
او همچنین با دعوت از مردم ایران و بویژه جوانان به خواندن کتاب «مرد ابدی» به پویش این کتاب پیوسته است. من با افتخار به این پویش می‌پیوندم؛ چون باور دارم شناختن چنین شخصیت‌هایی، به‌ویژه برای نسل جوان، ضروری است. این بازیگر محبوب می‌گوید: «از دوستانم در عرصه فرهنگ و هنر، همکاران و هم‌صنفی‌های عزیز دعوت می‌کنم به این پویش بپیوندند، کتاب «مرد ابدی» را بخوانند و آن را به دیگران معرفی کنند. باید اجازه بدهیم روایت زندگی این مردان به نسل‌های بعد هم برسد».فرهاد قائمیان، بازیگر سینما و تلویزیون، با انتخاب روایتی از کتاب «مرد ابدی» به سراغ بخشی از زندگی پدر موشکی ایران رفته است؛ روایتی از روزهایی که متخصصان خارجی تجهیزات موشکی را در اختیار ایران قرار می‌دادند، اما حاضر نبودند دانش و مهارت استفاده از آن را به نیروهای ایرانی منتقل کنند. وقتی آن متخصصان رفتند و تجهیزات را از کار انداختند، تصورشان این بود که دیگر کاری از دست ایرانی‌ها برنمی‌آید؛ اما حاج حسن و شاگردانش تصمیم دیگری داشتند.
اما در ادامه هم بخشی از کتاب را با صدای او بشنوید و هم گفت‌وگویی که او درباره این روایت انجام داد:
* آقای قائمیان، چرا بین روایت‌های مختلف زندگی شهید حسن طهرانی‌مقدم، این بخش از کتاب «مرد ابدی» را انتخاب کردید؟ این روایت فقط یک خاطره از دوران جنگ نیست؛ خلاصه یک تفکر و باور بزرگ است. شهید حسن طهرانی‌مقدم اعتقاد داشت که هیچ کشوری نباید برای ساختن آینده و تأمین امنیت خودش، چشم‌انتظار دیگران بماند. جمله‌ای که از او نقل شده، «باید دستمان را روی زانوهای خودمان بگذاریم و بلند شویم»، به‌خوبی شخصیت و نگاه او را نشان می‌دهد.او از آن دسته آدم‌هایی نبود که به‌خاطر محدودیت‌ها متوقف شوند. اگر امکاناتی وجود نداشت، به دنبال راهی برای به دست آوردن آن می‌رفت و اگر دانشی در اختیارش نبود، برای یادگیری آن تلاش می‌کرد. این روحیه برای من بسیار ارزشمند است.
* در این روایت، ماجرای آموزش نیروهای ایرانی و برخورد متخصصان خارجی با تجهیزات موشکی بسیار تأمل‌برانگیز است. چه چیزی در این ماجرا بیشتر اهمیت دارد؟
در سال‌های جنگ، ایران برای استفاده از موشک با دشواری‌های زیادی روبه‌رو بود. کشورهایی که تجهیزات را در اختیار ما قرار می‌دادند، حاضر نبودند دانش و فنون کار با آن‌ها را به نیروهای ایرانی آموزش دهند. در واقع تجهیزات را می‌دادند، اما دانش راه‌اندازی و استفاده از آن را نه.
حاج حسن می‌دانست داشتن موشک به‌تنهایی کافی نیست. باید بتوانیم آن را بشناسیم، راه‌اندازی کنیم، تعمیر کنیم و از همه مهم‌تر، دانش استفاده از آن را در اختیار داشته باشیم. به همین دلیل برای یادگیری این فنون تلاش کرد و 13 نفر از نیروهای ایرانی را نیز آموزش داد.
وقتی تکنسین‌های خارجی رفتند و تجهیزات را از کار انداختند، تصور می‌کردند دیگر کاری از دست ایرانی‌ها برنمی‌آید؛ اما حاج حسن و شاگردانش تسلیم نشدند. این همان نقطه‌ای است که معنای واقعی خودباوری را می‌توان دید.
* ثمره این تلاش‌ها را در کدام مقطع تاریخی می‌توان دید؟
صبح 21 دی‌ماه 1365، موشک اسکاد بی به مقر فرماندهی نیروی هوایی عراق در بغداد اصابت کرد. خبری که در ابتدا حتی برای برخی رسانه‌ها و مسئولان ایرانی هم باورکردنی نبود.
برای من اهمیت این اتفاق فقط در اصابت یک موشک به هدف خلاصه نمی‌شود؛ پشت آن، تلاش و اراده مردانی قرار داشت که نمی‌خواستند برای دفاع از کشورشان به دیگران وابسته باشند. آن روز نشان داده شد که می‌توان با تکیه بر دانش، تجربه و اراده، از محدودیت‌ها عبور کرد.

چرا نسل جوان باید طهرانی‌مقدم را بیشتر بشناسد؟
* به نظر شما چرا بازخوانی زندگی شهید طهرانی‌مقدم در شرایط امروز اهمیت بیشتری دارد؟
چون ما امروز بهتر از گذشته می‌توانیم اهمیت آن تلاش‌ها را درک کنیم. وقتی به تهدیدها و مخاطراتی که کشور با آن مواجه بوده نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که توان دفاعی و موشکی ایران یک‌شبه به وجود نیامده است. پشت این توانمندی، سال‌ها تلاش، دانش، ابتکار، ایثار و ازخودگذشتگی قرار دارد.شناخت شهید طهرانی‌مقدم فقط مرور زندگی یک فرمانده نظامی نیست؛ شناخت بخشی از تاریخ معاصر ایران و آشنایی با تفکری است که می‌گوید هیچ بن‌بستی نباید پایان راه باشد. فکر می‌کنم نسل جوان بیش از هر زمان دیگری نیاز دارد با چنین شخصیت‌هایی آشنا شود.
«مرد ابدی»؛ روایتی از انسان‌هایی که پشت اقتدار ایران ایستادند
* کتاب «مرد ابدی» چقدر می‌تواند در شناخت ابعاد شخصیتی و مسیر زندگی این شهید مؤثر باشد؟
کتاب «مرد ابدی» فرصت خوبی است تا از نزدیک‌تر با زندگی، تلاش‌ها، سختی‌ها و روحیه شهید طهرانی‌مقدم آشنا شویم. ما گاهی نام قهرمانان کشورمان را می‌شنویم و به آن‌ها افتخار می‌کنیم، اما از جزئیات زندگی و مسیری که طی کرده‌اند، اطلاع چندانی نداریم.
این کتاب کمک می‌کند بدانیم پشت دستاوردهایی که امروز از آن‌ها سخن می‌گوییم، چه انسان‌هایی ایستاده بودند و برای رسیدن به آن نقطه چه مسیری را طی کردند. به نظرم خواندن چنین آثاری فقط یک فعالیت فرهنگی نیست؛ فرصتی برای شناختن ریشه‌های توانمندی و خودباوری در کشورمان است.
* شما با انتخاب این روایت به پویش مردمی کتاب «مرد ابدی» پیوسته‌اید. به اهالی فرهنگ و هنر و مخاطبان این پویش چه می‌گویید؟
من با افتخار به این پویش می‌پیوندم؛ چون باور دارم شناختن چنین شخصیت‌هایی، به‌ویژه برای نسل جوان، ضروری است. از دوستانم در عرصه فرهنگ و هنر، همکاران و هم‌صنفی‌های عزیز دعوت می‌کنم به این پویش بپیوندند، کتاب «مرد ابدی» را بخوانند و آن را به دیگران معرفی کنند.
باید اجازه بدهیم روایت زندگی این مردان به نسل‌های بعد هم برسد. شهید طهرانی‌مقدم فقط یک فرمانده نظامی نبود؛ او نماد اراده، دانش و خودباوری بود. مردی که به جای پذیرفتن محدودیت‌ها، برای عبور از آن‌ها راه پیدا کرد.

گاهی بهترین راه ادای احترام به یک قهرمان، فقط گفتن نام او نیست؛ باید او را شناخت، از زندگی‌اش خواند و راهی را که برای ما روشن کرده است، به دیگران هم نشان داد.

«مرد ابدی» را بخوانیم؛ تا بدانیم پشتوانه اقتدار امروز ایران، ایمان، دانش و اراده مردانی است که برای سربلندی و امنیت این سرزمین از جان خود گذشتند.

صدور کیفرخواست برای ۱۵۹ متهم در پرونده شهادت رهبر انقلاب



سید علی کاظمی سخنگوی قوه قضاییه با تشریح آخرین وضعیت پرونده قضایی مربوط به شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی، اظهار کرد: این پرونده بازتاب‌دهنده یکی از بزرگ‌ترین ضایعات و اندوه عمیق ملت ایران و آزادی‌خواهان جهان است و پیگیری‌های قضایی آن در دو بخش کیفری و حقوقی دنبال می‌شود.

وی با اشاره به اقدامات انجام‌شده در بخش کیفری افزود: در ارتباط با اقدامات تروریستی دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی که به ترور و شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی منجر شد، اقدامات قضایی لازم انجام شده است.

صدور کیفرخواست برای ۱۵۹ متهم آمریکایی و اسرائیلی

سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به ابعاد این پرونده بیان کرد: رسیدگی قضایی، علاوه بر شهادت رهبر شهید انقلاب، موضوع شهادت اعضای خانواده ایشان از جمله خانم زهرا حدادعادل، عروس رهبر شهید، خانم سیدبشرا حسینی خامنه‌ای، فرزند رهبر شهید، فرزند خردسال خانم زهرا محمدی گلپایگانی، نوه رهبر شهید و آقای مصباح‌الهدی باقری‌کنی، داماد رهبر شهید را نیز دربرمی‌گیرد.وی ادامه داد: پس از انجام تحقیقات و رسیدگی‌های لازم در مرحله دادسرا، برای ۹۲ نفر از متهمان آمریکایی و ۶۷ نفر از متهمان اسرائیلی، در مجموع ۱۵۹ نفر، به‌اتهام اقدامات تروریستی منتهی به شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی کیفرخواست صادر شده است.به‌گفته سخنگوی قوه قضائیه؛ پرونده پس از صدور کیفرخواست برای رسیدگی به دادگاه انقلاب اسلامی ارسال شده است.

ثبت دادخواست حقوقی در تهران

وی درباره پیگیری حقوقی این پرونده نیز اظهار کرد: دادخواست حقوقی مربوط در روزهای اول و دوم آذرماه در تهران به ثبت رسیده و برای آن وقت رسیدگی تعیین شده است.سخنگوی قوه قضائیه تأکید کرد: روند رسیدگی‌های قضایی در هر دو بخش کیفری و حقوقی ادامه دارد و اقدامات و نتایج بعدی در زمان مقتضی به اطلاع ملت ایران خواهد رسید.

وجود ۷۳ پرونده تراستی و ۲۳۸۴ پرونده ارزی در دستگاه قضایی

سخنگوی قوه قضائیه، در پاسخ به پرسشی درباره آخرین وضعیت پرونده‌های تراستی و شناسایی تخلفات جدید در این حوزه اظهار کرد: در زمان حاضر ۷۳ پرونده مربوط به تراستی‌ها و ۲ هزار و ۳۸۴ پرونده مرتبط با رفع تعهدات ارزی در بخش صادرات و واردات در دستگاه قضایی در حال رسیدگی است.وی اضافه کرد: برخی از این پرونده‌ها پس از صدور قرار به دادگاه ارسال شده‌اند و تعدادی دیگر همچنان در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارند.کاظمی با توجه به اعلام رئیس‌کل دادگستری استان تهران درباره به نتیجه رسیدن سه پرونده در مرحله دادگاه گفت: این پرونده‌ها در مسیر رسیدگی قضایی قرار دارند و قوه قضائیه کنار پیگیری‌های قضایی، اقدامات اصلاحی و بازدارنده‌ای را نیز برای پیشگیری از تکرار تخلفات دنبال کرده است.

سخنگوی قوه قضائیه ابراز امیدواری کرد اجرای این اقدامات به کاهش تخلفات در حوزه تراستی‌ها و تعهدات ارزی و به حداقل رسیدن آسیب‌های ناشی از آن منجر شود.

اختصاص ۳۰۰ هکتار از بهترین زمین‌های تهران به پارک علم و فناوری

علیرضا زاکانی، شهردار تهران، در مراسم افتتاحیه رویداد «ایران پیشرو» که امروز (۲۶ آبان‌ماه) در برج میلاد برگزار شد، با تشریح چهار هدف تحولی دوره جدید مدیریت شهری، بر ضرورت اداره شهر بر مدار مردم و بهره‌گیری از علم، فناوری و نوآوری برای حل مشکلات کلان‌شهرها تأکید کرد.

چهار هدف تحولی مدیریت شهری از کالبد شهر تا هوشمندسازی

زاکانی گفت: پنج سال پیش که در تهران دوره جدیدی از مدیریت شهری آغاز شد، چهار هدف جدی در حوزه تحولی مدنظر قرار گرفت. شهردار تهران این چهار هدف را چنین برشمرد: تحولات سخت‌افزاری در حوزه کالبد شهر؛ تحولات نرم‌افزاری معطوف به مشارکت مردم در ابعاد مختلف؛ تحول در حوزه مدیریت شهری؛ و هوشمندسازی بر پایه فناوری و نوآوری‌های جدید با هدف شکل‌گیری یک شهر خلاق.

تهران؛ الگو برای کشور و نماد ایران در نگاه بیرونی

وی با اشاره به جایگاه ویژه پایتخت تصریح کرد: تهران شرایط ویژه‌ای دارد؛ کار در تهران محل الگو، انعکاس و سرریز به کل کشور است و از آن به‌عنوان یک الگو استفاده خواهد شد؛ از سوی دیگر تهران نمادی برای کسانی است که از بیرون به کشور و به ایران عزیز نگاه می‌کنند.

۷۷٫۷ درصد جمعیت کشور شهرنشین است

زاکانی در ادامه با اشاره به آمار شهرنشینی در ایران اظهار داشت: امروز قریب به ۷۸ درصد جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کنند؛ دقیقاً ۷۷٫۷ درصد از مردم عزیز ایران ساکن شهرها هستند. این رقم از میانگین جهانی که سازمان‌های بین‌المللی برای شهرهای جهان اعلام می‌کنند (حدود ۵۸ درصد) بالاتر است؛ بنابراین ما میانگین بالاتر و رشد و شتاب بیشتری در حوزه شهرنشینی داشته‌ایم.

تنها راه حل؛ اداره شهر بر مدار مردم و تکیه بر علم و فناوری

شهردار تهران با تأکید بر اینکه شهرها نیازهای اساسی و گره‌های کور در اداره شهر و زندگی شهری دارند، گفت: تنها راه این است که شهر را بر مدار مردم اداره کنیم و نهایت علم، دانش، فناوری و نوآوری را برای حل مشکلات شهر به کار بگیریم.وی افزود: مشکلاتی که در ظاهر لاینحل به نظر می‌رسند؛ اگر بخواهیم به بالاترین مشکل تهران اشاره کنیم، باید از آلودگی هوا و ترافیک نام ببریم که دغدغه جدی مردم نیز معطوف به همین موضوعات است؛ اما همه مشکلات این نیست. مشکلات متعددی در ابعاد مختلف حوزه شهری وجود دارد و بخش بزرگی از نیازها به شهرها اختصاص دارد. برای رفاه، آسایش، رشد و پیشرفت مادی و معنوی و ایجاد شرایط مطلوب برای زیست انسان‌ها باید بر این مشکلات چیرگی پیدا کرد و این امر محقق نمی‌شود مگر با ایجاد زمینه مشارکت واقعی مردم، به‌ویژه نخبگان و شایستگان هر جامعه، و توجه به علم، فناوری و نوآوری.



اقدام مدیریت شهری؛ از اخذ مجوز پارک علم و فناوری تا اختصاص ۳۰۰ هکتار زمینزاکانی با اشاره به اقدامات مدیریت شهری تهران در این حوزه اظهار داشت: نخستین گام این بود که زیرساخت‌های اساسی مشارکت با فرهیختگان را فراهم کنیم و ظرفیت‌های خود را در خدمت آن‌ها قرار دهیم. بر همین اساس، مجوز پارک علم و فناوری را از وزارت علوم دریافت کردیم و امروز نزدیک به ۳۰۰ هکتار از بهترین زمین‌ها و نقاط تهران به این امر اختصاص یافته است که به لطف الهی زیرساخت‌های آن در حال آماده‌سازی است تا در بخش خصوصی، بخش دانشگاهی و اندیشکده‌های مختلف این ظرفیت ایجاد شود و بستر کار و فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان و نوآور فراهم گردد.

هیچ نخبه‌ای نباید احساس تنهایی کند

شهردار تهران ادامه داد: وظیفه ما این بود که بار علمی تهران، که بار و دانشی بالایی دارد، به قوه‌ای خروجی و نهایی برای بهره‌مندی جامعه و پیشرفت و آبادانی کشور تبدیل شود. به حمدالله مقدمات آن مهیاست و آماده است تا دست در دست هم بگذاریم و هیچ جوان، دانشمند، استاد و فرهیخته ایرانی احساس تنهایی نکند؛ حس او باید این باشد که مدیریت شهری با تمام اقتضائات و دارایی‌هایش پشت سرش ایستاده و وظیفه حمایت و کمک به پیشرفت و رسیدن به نقطه نهایی مقصود این فرد، گروه و عنصر پیشرو در جامعه را بر عهده گرفته است.

مدیریت شهری در نقش خریدار ظرفیت‌های دانشگاهی

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به موضوع نیازهای شهر گفت: نکته دوم این است که نیازهای شهر در چارچوب مشارکت با مجموعه‌های فعال و نوآور دیده شود و مدیریت شهری بتواند به‌عنوان خریدار ظرفیت‌های موجود در دانشگاه‌ها و مجموعه‌های نوآور، زمینه به‌کارگیری این نوآوری‌ها را در مجموعه شهری فراهم کند و خدمت دیگری از این جنس به جامعه علمی و کشور ارائه دهد. به این ترتیب، سند بلندی از نیازهای پایتخت در ابعاد مختلف سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و موضوعات گوناگون تدوین و مورد توجه قرار می‌گیرد.

زاکانی افزود: بر همین اساس، سازمان فناوری و نوآوری در کنار سازمان فناوری اطلاعات که پیش‌تر وجود داشت، در مجموعه شهرداری تهران شکل گرفت تا دو بال فعال داشته باشیم و بتوانیم نیازهای شهر را به جامعه علمی و نوآور کشور منتقل کنیم و از ظرفیت آن‌ها برای حل مشکلات بهره ببریم.



۳۶ درصد آلودگی هوای تهران سهم کامیون‌ها

سیدجعفر تشکری‌هاشمی در چهارصد و چهل و هشتمین جلسه علنی شورای شهر تهران با اشاره به آلودگی هوا، اظهار کرد: سالی نیست که به این ایام برسیم و با آلودگی هوا مواجه نشویم و صرفاً ابراز نگرانی و ناراحتی نکنیم، اما اینکه در عمل چه اقداماتی انجام شده، سؤالی است که متأسفانه برای مردم بی‌پاسخ مانده است. ما نیز احساس می‌کنیم باید بررسی کنیم عملکردی که داشته‌ایم و اقداماتی که باید انجام می‌دادیم، چقدر مؤثر بوده است؛ چه کسانی به وظایف خود عمل کرده‌اند و چه کسانی به مسئولیت‌هایشان عمل نکرده‌اند.

وی با اشاره به اظهارات روز گذشته شهردار تهران گفت: زاکانی در مصاحبه روز گذشته خود گفتند: «من مسئول فعل دیگران نیستم، مسئول افعال خودم هستم». این جمله بسیار خوبی بود که ایشان بیان کردند. من نیز به همین دلیل می‌خواهم امروز درباره آنچه به شهرداری تهران و مدیریت شهری مربوط می‌شود، تذکر بدهم. درباره وظایف دیگران فعلاً دخالتی نمی‌کنیم و اجازه می‌دهیم خود دولت در این موضوع ورود کند.

تشکری‌هاشمی با اشاره به گزارش‌های شرکت کنترل کیفیت هوا و سایر نهادهای مرتبط اظهار کرد: طبق گزارش‌های متعددی که از شرکت کنترل کیفیت هوا، سازمان هواشناسی و سایر نهادهای مرتبط دریافت کرده‌ایم و همچنین پیامکی که همین چند دقیقه پیش از سوی سازمان پیشگیری ارسال شده است، آلاینده غالب هوا، ذرات معلق کمتر از ۲٫۵ میکرون است؛ مرگبارترین آلاینده‌ای که می‌تواند در هوا وجود داشته باشد و منشأ آن نیز عمدتاً انسانی است.وی افزود: طبق جدولی که شرکت کنترل کیفیت هوا با کمک دانشگاه علم و صنعت تهیه کرده است، سهم منابع متحرک ۴۶٫۵ درصد و سهم کشاورزی ۲۲٫۶ درصد اعلام شده است. به نظر من، دوستان در این جدول ذرات PM۲٫۵ و PM۱۰ را با یکدیگر تجمیع کرده‌اند؛ وگرنه از زمین‌های کشاورزی ما به این میزان ذرات معلق کمتر از ۲٫۵ میکرون تولید نمی‌شود. سومین سهم مربوط به نیروگاه‌ها و چهارمین سهم نیز مربوط به صنایع است.

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران ادامه داد: در مورد نیروگاه‌ها، دولت باید پاسخگو باشد و تلاش کند این اشکال را برطرف کند؛ به‌خصوص استفاده از سوخت کثیف مازوت را کاهش دهد. همچنین صنایع نیز باید در این زمینه رعایت بیشتری داشته باشند.

وی با طرح این سؤال که منابع متحرک آلاینده هوا کدام‌اند، گفت: اگر جدول دوم را همکاران نمایش دهند، مشاهده می‌کنید که این جدول نیز از سوی شرکت کنترل کیفیت هوا ارائه شده است. اعدادی که مطرح می‌کنم، مستند به همین گزارش‌هاست تا کسی ادعا نکند که سیاه‌نمایی می‌کنیم یا بگوید با وجود زحماتی که کشیده شده، چرا این زحمات دیده نمی‌شود.

تشکری‌هاشمی افزود: اگر سهم ۴۶٫۵ درصدی منابع متحرک را به ۱۰۰ درصد تبدیل کنیم، سهم خودروهای سواری ۲۸ درصد، تاکسی‌ها ۶٫۶ درصد، موتورسیکلت‌ها ۹٫۴ درصد و اتوبوس‌های درون‌شهری ۳ درصد است. بنابراین اگر بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم و منابع خود را به بخش‌های مختلف اختصاص دهیم، با همین جدول ساده‌ای که خود شهرداری تهیه کرده است، می‌توانیم مشخص کنیم که باید به کدام بخش اولویت بیشتری بدهیم.

وی تصریح کرد: در بحث خودروهای فرسوده و خودروهای شخصی، باز هم وظیفه دولت است که برای خروج این خودروها از چرخه تردد اقدام کند، اما در مورد موتورسیکلت‌ها، ما پنج سال گذشته مصوبه‌ای در شورای شهر داشتیم که بر اساس آن باید ۳۰۰ هزار موتورسیکلت در تهران برقی می‌شدند، اما این اتفاق نیفتاده است. رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران با اشاره به وضعیت تاکسی‌های پایتخت اظهار کرد: تاکسی‌های تهران که سهم ۶٫۶ درصدی در آلودگی هوا دارند، با مشکل فرسودگی مواجه‌اند و حدود ۵۰ هزار دستگاه از آن‌ها فرسوده شده‌اند. شورا و شهرداری به شورا قول داده بودند که ۳۰ هزار تاکسی برقی وارد ناوگان کنند، اما در عمل فقط هزار و ۷۰۰ دستگاه وارد شد؛ همان هزار و ۷۰۰ دستگاه را هم دیدیم که چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

وی افزود: اینکه خودروهایی را برای کارهای نمایشی در اطراف میادین شهر مستقر کنند تا یک مراسم یا رویدادی برگزار شود که اصلاً نمی‌دانیم چیست، چه معنایی دارد؟ خودروهایی که باید به مردم خدمات‌رسانی کنند، در همه ایام و به‌خصوص در این روزها، به ابزار نمایشی و تبلیغاتی تبدیل شده‌اند و آن‌ها را دور میادین شهر چیده‌اند.تشکری‌هاشمی تأکید کرد: خواهش می‌کنم این کارهای نمایشی متوقف شود و به جای آن، برای نجات جان مردم، اقدامات اجرایی و عملیاتی انجام دهیم.وی با اشاره به وضعیت کامیون‌ها و سهم آن‌ها در آلودگی هوا خاطرنشان کرد: کامیون‌ها به‌طور کلی فراموش شده‌اند؛ در حالی که ۳۶ درصد از آلودگی هوا مربوط به کامیون‌هاست و هیچ‌کس برای این بخش برنامه‌ای ندارد.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

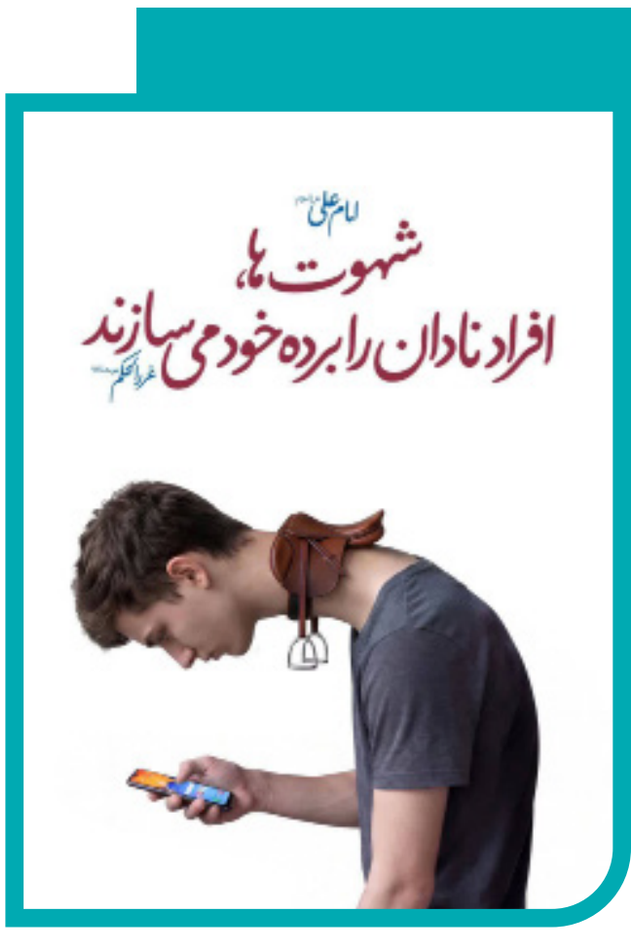
www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON





اختصاص ۳۰۰ هکتار زمین

شهردار تهران از اختصاص ۳۰۰ هکتار از بهترین اراضی پایتخت به پارک علم و فناوری خبر داد.

۷

شاهکار شهید طهرانی‌مقدم

فرهاد قائمیان با روایت بخشی از کتاب «مرد ابدی»، از خودباوری و اراده شهید طهرانی‌مقدم می‌گوید.

۶



تاج: فقط سرمربی می‌تواند از نیمکت بلند شود

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال درباره قوانین جدید لیگ برتر فوتبال در نیم‌فصل توضیحاتی ارائه کرد. کنفرانس‌های مطبوعاتی باید کنترل شود. سرمربی نمی‌تواند هر حرفی را بزند و فقط باید درباره مسابقه حرف زده شود. از نیم فصل دوم لیگ برتر هیچ کسی حق بلند شدن از روی نیمکت را ندارد و فقط سرمربی تیم است که می‌تواند بلند شود. هر کسی از روی نیمکت بلند شود، داور باید یک اخطار به او بدهد. گرفتن اخطار هم باید جریمه داشته باشد که الان نداریم.

در نیم فصل دوم، اخراج مستقیم یک جریمه دارد، بازیکن دو اخطار بگیرد و اخراج شود جریمه‌اش کمتر است و دریافت اخطار هم جریمه دارد. ممکن است برخی باشگاه‌ها هم تشویق مالی هواداری شوند.

* قرار است برنامه‌های متنوع فرهنگی در ورزشگاه‌ها انجام شود.
* اگر در مسابقه‌ای شعارهای نژادپرستانه داده شود و داور بازی را قطع نکند خودش تخلف کرده است
* از خیابان سئول به کمپ تیم‌های ملی در حال اثاث کشی هستیم.
* قرار شد درباره کانال‌های هواداری فیک اقدامی انجام شود. باید جلوی هر چیزی که منجر به تنش و بی احترامی به حریف می‌شود گرفته شود





ایران همیشه برای رقبا ترسناک است

سجاد گنج‌زاده درباره شرایط ملی‌پوشان کاراته گفت: اردوهای کومیته تیمی را دیر آغاز کردیم، اما فدراسیون ما را به رقابت‌های جایزه بزرگ مسکو اعزام کرد. با وجود اینکه با ترکیب کامل در این مسابقات حضور نداشتیم، این رقابت‌ها تجربه بسیار خوبی برای ما بود. پس از آن نیز دو هفته تمرینات خوبی را پشت سر گذاشتیم. شرایط بچه‌ها مطلوب است و در مسابقات جام‌جهانی با قدرت کارمان را آغاز خواهیم کرد تا ببینیم در ادامه چه اتفاقی رخ می‌دهدوی درباره اینکه دستاوردهای تیم ایران در بخش کومیته تیمی باعث خواهد شد رقبا حساب ویژه‌ای روی این تیم باز کنند، اظهار داشت: مطمئن باشید ایران همچنان برای رقبا تیمی ترسناک است و تمام دنیا از قدرت کاراته کشورمان آگاهی دارند. در کومیته تیمی باید تمام اعضای تیم یکدست باشند و خدا را شکر ما تیم یکدستی داریم. در دوره گذشته مسابقات جام‌جهانی به عنوان نایب‌قهرمانی رسیدیم. از آن تیم چند بازیکن باسابقه را در اختیار نداریم



بازیکن اصلی و ذخیره در تیم ما وجود ندارد

غلامرضا مومنی مقدم در مورد پیروزی ۳ بر صفر تیمش مقابل رازین پلیمر در هفته چهارم لیگ برتر والیبال اظهار داشت: ما می‌دانستیم رازین پلیمر تیم خوبی است و دفاع‌های قدبلندی دارد. تمرین‌های هفته گذشته ما کاملا بر مبنای آنالیز تیم حریف بود. سرمربی تیم والیبال مهرگان ادامه داد: ما گروه خوبی شامل کادر فنی و بازیکنان هماهنگ و تاکتیک‌پذیر داریم. مدیریت و سرپرست تیم نیز این مجموعه را تکمیل می‌کند. این پیروزی ۳ بر صفر مزد زحمات ما بود. تمام امکانات لازم و حرفه‌ای برای ما در شهر نور مهیاست. تمرین‌های خوبی را پشت گذاشتیم و از این جهت از برخی تیم‌ها جلوتر هستیم پس توقع داریم مقابل این تیم‌ها برنده شویم.

مومنی تصریح کرد: لیگ قطعا نوساناتی خواهد داشت و تیم‌ها نیز درگیر این فراز و نشیب‌ها خواهند شد. ما تلاش می‌کنیم بهترین نتیجه ممکن را کسب کنیم.

فدراسیون والیبال قرارداد پیاتزا را تمدید نکرد



پس از پایان دوره دو ساله نخست قرارداد همکاری روبرتو پیاتزا سرمربی ایتالیایی تیم ملی والیبال ایران، سلسله جلسات و مذاکراتی با هدف بررسی شرایط ادامه همکاری در دو سال آینده برگزار شد و در نهایت، با نظر هیئت رئیسه فدراسیون، سید میلاد تقوی تصمیم به تمدید نکردن قرارداد این مربی ایتالیایی گرفت تا مأموریت دوساله او در والیبال ایران به پایان برسد.پیاتزا در دی‌ماه 1403 به‌صورت رسمی هدایت تیم ملی والیبال مردان ایران را برعهده گرفت و قرارداد همکاری او با فدراسیون والیبال در قالب توافقی دوساله با امکان تمدید برای دو سال دیگر (2+2) تنظیم شد؛ قراردادی که بر اساس آن، ادامه همکاری پس از پایان دو سال نخست، منوط به نظر و تأیید فدراسیون والیبال بود و در صورت موافقت، برای دو سال دیگر تمدید می‌شد.بر همین اساس، پس از پایان رقابت‌های بازی‌های آسیایی ناگویا که با کسب مدال طلا برای تیم ملی والیبال ایران همراه بود، سید میلاد تقوی و روبرتو پیاتزا در جلسه‌ای به بررسی عملکرد دوساله تیم ملی، برنامه‌های پیش‌رو و مسیر والیبال ایران برای کسب سهمیه المپیک 2028 لس‌آنجلس پرداختند و مقرر شد سرمربی ایتالیایی، برنامه‌های پیشنهادی خود برای دو سال آینده را با توجه به اهداف و انتظارات فدراسیون والیبال ایران ارائه کند. در ادامه این مذاکرات، فدراسیون والیبال مجموعه‌ای از انتظارات و شروط خود را برای تمدید قرارداد مطرح کرد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به حضور زودتر سرمربی تیم ملی در ایران برای آغاز اردوهای آماده‌سازی، اختصاص زمان بیشتر به برنامه‌های تیم ملی و افزایش حضور مستقیم و مستمر در روند آماده‌سازی بازیکنان اشاره کرد؛ موضوعاتی که با توجه به اهمیت رقابت‌های پیش‌رو و ضرورت حضور سرمربی پیش از بازیکنان لژیونر در اردوی تیم ملی در تهران، از الزامات اصلی فدراسیون برای ادامه همکاری به شمار می‌رفت.این موضوع در چارچوب توافقات اولیه برای دوره دو ساله دوم قرارداد نیز مورد توجه قرار گرفته بود و حضور به‌موقع و همکاری مؤثرتر سرمربی با تیم ملی، از جمله شروط مهم تمدید قرارداد محسوب می‌شد. با این حال، قرارداد چهار ساله پیاتزا با یک باشگاه لهستانی، عملاً امکان حضور به‌موقع و اختصاص زمان مورد انتظار فدراسیون به تیم ملی را برای رقابت‌های لیگ ملت‌های 2027 و 2028 با محدودیت جدی مواجه می‌کرد.با وجود برگزاری مذاکرات و بررسی راهکارهای مختلف برای تداوم این همکاری، طرفین در نهایت درباره جزئیات و چارچوب موردنظر برای دوره جدید به توافق نرسیدند و فدراسیون والیبال با توجه به ضرورت تأمین انتظارات فنی و اجرایی خود از سرمربی تیم ملی، تصمیم گرفت قرارداد پیاتزا را تمدید نکند و برای دو سال سرنوشت‌ساز پیش‌رو، از یک مربی خارجی تراز اول والیبال جهان بهره بگیرد که بتواند پیش از حضور بازیکنان لژیونر به ایران بیاید و زمان بیشتری را به برنامه‌های آماده‌سازی تیم ملی اختصاص دهد.پیاتزا در مدت دو سال حضور خود روی نیمکت تیم ملی والیبال ایران، نتایج متفاوتی را تجربه کرد. تیم ملی در لیگ ملت‌های 2025 با کسب شش پیروزی در جایگاه نهم قرار گرفت و در ادامه همان سال، با ایستادن در رتبه هشتم رقابت‌های قهرمانی مردان جهان، یکی از بهترین نتایج خود را در این مسابقات به ثبت رساند. در سال 2026 نیز ملی‌پوشان ایران در لیگ ملت‌ها به رتبه پانزدهم بسنده کردند، اما با کسب مدال نقره قهرمانی آسیا و مدال طلای بازی‌های آسیایی ناگویا، دو عنوان ارزشمند قاره‌ای را به دست آوردند تا کارنامه دو ساله این مربی ایتالیایی با مجموعه‌ای از نتایج درخشان و پرنوسان همراه باشد.با این حال، ارزیابی فدراسیون والیبال از عملکرد یک سرمربی صرفاً به نتایج کسب‌شده در مسابقات محدود نمی‌شود و میزان حضور، زمان اختصاص‌یافته به تیم ملی، نحوه اجرای برنامه‌های آماده‌سازی، تعامل مستمر با بازیکنان و کادر فنی و همچنین هماهنگی برنامه‌های باشگاهی سرمربی با نیازهای تیم ملی، از جمله موضوعاتی است که در تعیین چارچوب همکاری برای دو سال آینده اهمیت بسزایی دارد.